

ماهنامه



زرتشتیان

بهار ۳۷۵۳ زرتشتی، ۱۳۹۴ خورشیدی، ۲۰۱۸ تسایه

شماره ۲۵

نوروز فرخنده

- به یاد نوروز کرمان
- گشایش یکی از بی ماندترین بیمارستان های خاورمیانه
- فردا
- ارباب کیخسرو شاهرخ
- به دنیا آمدن رستم به تندرستی

نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

The zoroastrian Journal



نقش برجسته بار همگانی پادشاه در درگاه تالار کاخ صد ستون تخت جمشید



نیایش نوشدن سال نو

اثوبی خوشبختی است و خوشبختی از آن کسی است که خواهان خوشبختی دیگران باشد.

تو را ای اهورامزدا میپرستم که قانون اشا را بنیاد نهادی،
آب ها و گیاهان و روشنایی را آفریدی و جهان و همه چیزها را
نیک آفریدی،

می ستایم روان یلان و پهلوانان و مردان و زنان نیک اندیشی که، با
نیکی در برابر بدی ها بر می خیزند، می ستایم مردان و زنان نیک
اندیش و جاودانه را که همواره با منش پاک زندگی می کنند و
همواره سود رسان می باشند.

- همان شود که آرزو کردیم بشود که ما هم از پاکان و نیکان باشیم .
- همازوریم ،همازور نیکوکاران بیم ، دور از گناه و گناهکاران بیم .
- هم کرفه بسته کشتیان و نیکان و وهان هفت کشور زمین بیم .
- دیرزویم . درست زویم . شادزویم . تازویم به کامه زویم .
- گیتی مان باد به کامه تن ، مینومان باد به کامه روان .
- همازوریم . همازور هماشویم . اشم وهو (تا سر)



زرتشتیان



ماهنامه

فرهنگی، دینی، خبری، اجتماعی، پژوهشی و ادبی

- بهار ۳۷۵۳ دینی زرتشتی، برابر ۱۳۹۴ اسلامی خورشیدی و ۲۰۱۵ میلادی
- شماره ۲۵، ۵ هزار تا
- سردبیر: مهرداد ماندگاری
- دستیار سردبیر: نسرين اردیبهشتی
- زیر نگر: گروه انتشارات مرکز زرتشتیان کالیفرنیا و انجمن مدیران مرکز زرتشتیان
- رایانه: رامین شهریاری
- تایپ: فریبا کیان زاد
- طراحی و گرافیک: رکسانا کاوسی
- چاپ: LA WEB PRESS
- همکاران گروه انتشار: شهروز اش، موبد بهرام دبو، دکتر نیاز کسروی، نسرين اردیبهشتی، مهرداد ماندگاری
- دیگر همکاران که ما را در این شماره یاری داده اند: هوشنگ مهرخداوندی، دکتر علی امید کاجیان، مهرداد زمردی، دکتر فرهنگ مهر، موبد اردشیر خورشیدیان، اردشیر باغخانیان، فریده غیبی، شبنم موبد، فرزانه گشتاسب
- با سپاس از تارنمای برساد، فروهر، امرداد و اشپهن
- ماهنامه زرتشتیان وابسته به هیچ گروه و دسته یی نمی باشد و از تمامی خوانندگان نوشتار می پذیرد. نوشتارها باید تایپ شده و یا با خط خوانا باشند. گروه انتشار در ویرایش و کوتاه کردن نوشته ها آزاد است و نوشتارهای رسیده باز گردانده نمی شوند.
- نگر ها و پیشنهادهای نویسندگان و یا آگهی دهندگان در این رسانه، رای و نگر ماهنامه زرتشتیان و یا مرکز زرتشتیان نمی باشد.

۷۱۴-۸۹۳-۴۷۳۷

تلفن و آدرس دفتر ماهنامه

8952 Hazard Ave.

Westminster, CA 92683

۷۱۴-۸۹۴-۹۵۷۷

فکس:

Email: info@czcjournal.org

سفن نفلت

از نسرين اردیبهشتی

نوروز دیگری به همراه بهار دل انگیز از راه می رسد . نوروزی که با آمدنش یاد نیاکان و سرزمین اهورایی ایران را در دل مان زنده می کند.

نوروز نور محبت و دوستی را در دلمان می افروزد و به هویت ایرانیمان می افزاید . بیاوید تا در این ایام نوروزی دلهایمان را از کینه و دشمنی و دروغ پاک کنیم . دوستی های قدیمی را بازیابیم . به دیدار بیماران و بی کسان برویم و دلهایمان را به هم نزدیک تر کنیم . همبستگی و همدلی سبب آرامش روح و روان می شود و در انسان احساس امنیت روحی بوجود می آورد . انسان به امنیت جسمی و روحی هر دو نیازمند است . احساس امنیت از زمانی که از مادر زاده می شویم تا دم مرگ ادامه دارد. احساس پنج گانه ای که در بدن ما وجود دارد ما را از امنیت جسمانی بهره مند می کند ولی آیا کجا و چگونه می توان امنیت روحی را دریافت ؟ امنیت روحی را میتوان در کمک و دستگیری از دیگران یافت . امنیت روحی را می توان در کارهای اجتماعی و پیوستن به کانون هایی که یک هدف و یک آرمان دارند و در راه رسیدن به هدف شان تلاش می کنند یافت . ثروت می تواند تا اندازه ای جوابگوی نیاز جسمی و روحی انسان باشد و احساس امنیت را در انسان بوجود آورد اما انسان یک موجود اجتماعی است و به تماس و ارتباط و احساس تعلق و دلبستگی نیاز دارد . شورشخخانه، امروزه به سبب پیشرفت سرسام آور تکنولوژی هر روز تماس انسان با انسان کمتر می شود . شاید یکی از دلایل روی آوردن آدم ها به مواد مخدر و الکل و بروز افکار و کردارهای وحشیانه و فجیع در جوامع پیشرفته خلا امنیت روحی در انسان ها باشد.

نوروز می تواند ابتدا و شروع یک روش نو و دگرگونی در پندار و کردار و گفتار شما باشد . روشی که با همه گرفتاریهای زندگی ، دستی برای دادن کمک ، همکاری و همیاری ، چه به افراد نیازمند و تنها و چه به سازمان ها و کانون های دینی ، علمی ، فرهنگی و هر آنچه که امنیت روحی به شما میدهد داشته باشید.

نوروز تان پیروز باد

ایدون باد

درخواست یارانه پولی

از کسانی که خواهان پرورش و گسترش ماهنامه ی زرتشتیان کالیفرنیا در زمینه های فزونی شماره، افزایش برگ ها و به سازی نوشتار هستند و توان دادن یاری های پولی دارند، خواهشمندیم

چک های یارانه ی خود را به نشانی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

8952 Hazard Ave.

Westminster, CA 92683

بفرستند و یا به یکی از شعبه های بانک «چیس» رفته،

یارانه ی خود را به شماره حساب ۶-۳۳۴۶۷۵-۴۲۱ بریزند

California Zoroastrian Center

Zoroastrian Journal

Chase Bank

Account #421-334675-6

مهر افزون - مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

نوروز



جشن ها به ویژه نوروز و مهرگان که به اعیاد اقوام بزرگ می ماند نه گله داری بایست در نجد ایران بوده باشند و به پیش از تاریخ بازگردد و از آن اقوام بومی این سرزمین اجداد غیر آریایی ما باشند . در زمان هخامنشیان در تخت جمشید در آغاز سال نو مراسم بزرگ و با شکوهی برگزار می شده است . در این مراسم شاهنشاه نمایندگان اقوام و ملت ها را به حضور می پذیرفت و هدایایی از سوی آنان دریافت یا به آنها اهدا می نمود . کهن ترین اشاراتی که درباره نوروز در دست است همان است که به جمشید شاه نسبت می دهند از جمله حکیم توس فردوسی

و بزرگتر پیوند دادن ، نسل های متوالی این قوم که بر سر چهار راه حوادث تاریخ نشسته و همواره تیغ جلادان بند بندش را از هم گسسته است و نیز پیمان یگانگی بستن میان همه دل های خویشاوندی که دیوار عبوس و بیگانه دوران ها در میانه شان حایل می گشته بوده و هست . تاریخچه جشن نوروز تعیین تاریخ دقیق برگزاری عید نوروز مشکل است ، چرا که بدلیل در دست نبودن آثار مکتوب ایران باستان تعیین تاریخ درست مقدور نمی باشد . اما برخی از آثار و شواهد نشان می دهد که عید نوروز در میان ایرانیان بومی که قبل از

بسیاری از اقوام و ملل پیرامونی از سوی دیگر است ، و در این زمینه طیفی گسترده از جوامع گوناگون جسر از چین در شرق تا بالکان در غرب در بر میگیرد که هر ساله در آغاز نوروز (روز نو) در طبیعت گرد و غبار و زنگار از جان ، دیده ، جامه و خانه خویش می زدایند و پیوند ها را تازه می کنند . و چون دوستی و مهر را از روزگاران کهن در رگ های زندگی جمعی خویش به جریان می اندازد و هر قوم و ملتی در چارچوب آداب و ترتیبی خاص خود این سنت دیرینه و آیین ها ییش را به جای می آورند و به زبان جان و دل خویش بدون اینکه حاکمان از آنان بخواهند ، بلکه این ملتها بودند که در طول تاریخ آنان را به دنبال خود برای هر چه باشکوهتر برگزار نمودن باورهای شادی آفرین هود همراه می نمودند . زیرا نوروز و بهار فصل تلقین سبکبالی و سبکباری است . فصل مصمم شدن دوباره برای زندگی توام با آرامش است . این روابط دیرپای اساطیر دلنشین ایرانی و افسانه های جانبخش و شیرین ایرانیان برای افروختن چراغ امید در غمخانه دل است مناسبت ها و علل پیدایش نوروز

ای اهورامزدا شادی های زندگی که بوده و هست و خواهد بود از تو است . آنها را در پرتو مهر و بخشایش خویش ، به ما ارزانی دار .

پروزدگارا ، خوشبختی و شادی ما را در این جهان به یاری نیک اندیشی ، راستی و نیروی اراده افزون ساز .
یسنا ۳۳ بند ۱۰

برچهره گل نیم نوروز خوش است در صحن چمن روی دل افروز خوش است (خیام)



نامدار در شاهنامه چنین بیان می فرمایند :

جهان انجمن شد بر تخت او
شگفتی فروماند از بخت او
به جمشید بر ، گوهر افشانند
مر آن روز را روز نو خوانند
سر سال نو هر مز فروین
بر آسوده از رنج تن ، دل زکین

مهاجرت آریایی ها به فلات ایران در این سرزمین می زیسته اند متداول و مرسوم بوده است . روانشاد استاد مهرداد بهار در کتاب (پژوهشی در اساطیر ایران) درباره تاریخ جشن نوروز ، آن را متعلق به زما نی پیش از تاریخ می داند و می نویسد ، در اوستا سخنی از نوروز و جشن مهرگان و جشن سده در میان نیست . در متون میانه نیز که از نوروز و مهرگان یاد میشود از جشن سده نذری نیست . و این شگفت آور است ، اگر نوروز ، مهرگان و جشن یده هند و ایرانی بود باید به نحوی در وداها و اوستا از آن یاد میشد و چنین نیست و تا پایان دوره اوستایی نیز اشاره ای بدانها وجود ندارد به احتمال بسیار ، این

* جشن پایان آفرینش ، از آنجا که در فلسفه و آیین ایرانیان و کتب مقدس آن آفرینش جهان در شش مرحله گردیده آخرین مرحله آن خلقت اسان است که در نوروز آفریده شد .
* فرود فروهر در گذشتگان (ارواح) در این ایام جهت دیدار از بازماندگان و بررسی احوال آنان بدین مناسبت است ، که جمعه آخر سال را هم میهنان مسلمان بر سر آرامگاه درگذشتگان می روند و با خیرات روح آنان را شاد می نمایند تا از آنان راضی باشند .
* برتخت نشستن جمشید در نوروز ، طبق نوشته مورخین جمشید شاه بعد از اینکه اوضاع جهان و مردمان را سر و سامان داد در این روز بر تخت نشست .
* تولد و رسالت اشوزرتشت پیامبر ایران باستان در این روزها انجام گردیده که با آرایه سه اصل اندیشه نیک و گفتار نیک و کردار نیک جهان را و مدار خویش ساخت .
زنده یاد دکتر علی شریعتی درباره نوروز چنین می نویسد :

نوروز این پیری که غبار قرن های بسیار بر چهره اش شسته است . در طول تاریخ کهن خویش ، روزگاری در کنار مغان ، و راد مهرپرستان را خطاب به خویش می شنیده است . پس از آن در کنار آتشکده های زرتشتی سرود مقدس موبدان و زمزمه حیاتبخش اوستا و سرود اهورامزدا را به گوشش می خواندند . رسالت بزرگش عشق و وفاداری و مهرودوستی و صمیمیت و زدودن زنگار از سیما و دل این ملت در آمیختن روح مردم این سرزمین بلاخیز با روح شاد و جانبخش طبیعت و ژرف تر

موفقیت ها و پیروزی های هر ملت و کشوری نتیجه دلخوشی ها و امیدواری آنها به زندگی است . از این رو نیاکان ما ایرانیان با خرد و ژرف نگری که بر اوضاع جهان و روان شناختی افراد بشر داشته اند ، پیوسته در تلاش زدودن غم از دل و چهره همدیگر بوده و شادی ها را سر چشمه لطف و خداوند و کار و تلاش بیشتر برای زندگی و آبادانی کشور و جهان می دانستند . در نتیجه سعی در برگزاری هر چه بیشتر و بهتر جشنها در این سرزمین اهورایی نموده و بدین مناسبت به غیر از جشن های شخصی مانند عروسی ها ، جشن تولد و سدره پوشی سالیانه بیش از بیست و سه جشن دیگر در کشور برگزار می نمودند . از جمله این جشن ها یکی هم عید نوروز است که از ارزش و بنیانی بس سترگ و استوار برخوردار بوده و هست که از هزاران سال پیش تا کنون در سرزمین های ایرانی نشین و حتی به همراه ایرانیان مهاجر دور از میهن به اقصی نقاط جهان سفر کرده و در آن دیارها هم بر کرسی عزت و احترام نشسته است . سعادتی نوروز را چنین وصف می نماید .

برآمد باد صبح و بوی نوروز
کام دوستان و بخت پیروز
مبارک بادت این سال و همه سال
همایون بادت این روز و همه روز
نوروز یادآور بخشی از خاطرات دیرینه وجدان تاریخی و هویت ملی و دینی ماست و چون منشوری چند وجهی بازتاب دهنده سنت ها ، باورها ، و اعتقادات ملی و دینی ما از یک سو و پیوندهای تاریخی ما با

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از شما درخواست می کند که نوشتارها ، فرتورها (عکس) و پیشنهادهای خود را به نشانی

info@czcjournal.org

برای نشریه مرکز بفرستید . نوشتارها و فرتورهای برگزیده با نام فرستنده چاپ خواهد شد .

در تارنمای

www.czcjournal.org

میتوانید نشریه های مرکز زرتشتیان کالیفرنیا را ببینید .

تنبور ساز بهشتی

بانگ گردش های چرخ است اینکه خلق

می نوازندش به تنبور و به خلق

ما همه اینای آدم بوده ایم

در بهشت آن لحن ها بشنوده ایم

از آثار و نقوش برجسته به جای مانده از اقوام عهد باستان (آریایی ها، مادها، آشورها، ایلام ها، مصر، هند و یونان) و رسالات کهن فارسی می توان گفت قدمت تنبور این ساز کهن ایران زمین به پنج الی شش هزار سال پیش می رسد. متداول ترین سازهای زهی در ایران باستان «چنگ، تنبور و بریط» بوده است. در کاوش های باستانشناسان در تپه های بنی یونس واقع در حوالی شهر موصل که مربوط به دوره آشوریان است، نقوش برجسته ای از نوازندگان تنبور یافت شده که سه هزار سال از تاریخ نقش آنها بر روی آن تخته سنگ ها می گذرد.

تنبور از آلات موسیقی است و این ساز موسیقی از نزدیکترین سازها به عود است. تنبور با وجودی که دارای دو رشته تار است دارای شهرت بسیاری است، البته از تنبور دارای سه تار نیز استفاده شده.

از نظر تاریخی دره رودخانه سیروان کردستان مرکز یک تمدن قدیمی بجا مانده از هزاره های قبل است، مردم شمال رودخانه سیروان هنوز در هشتصد سال پیش حتی به آیین زرتشت هم نگرویده بودند چه برسد به دینهای دیگر. مردمی که هم اکنون در جنوب رودخانه سیروان زندگی می کنند با نام «زردوئی» شناخته می شوند که احتمالاً همان زرتشتی است. بعدها ملایی از کردستان به اسم «ماموستا گشایش» به آن جا رفت و آنها را به اسلام دعوت کرد، همزمان با این اتفاق یکی از بزرگان زرتشتی منطقه، به اسم «پیرشالیار هورامی» کتابی با نام «معرفت پیرلیارداشت» را معرفی کرد، کتابی که تا زمانی طولانی کتاب آیین آن مردم بود و آنها بارها دستورات آن کتاب یا تعلیمات ماموستا گشایش را تطبیق دادند و پیر شالیار را ترجیح دادند.

اما مردم ساکن شمال رودخانه سیروان زرتشتی نبودند بلکه آیینی قدیمی تر از زرتشت داشته اند که شاید همان آیین مهر بوده است یا همان آیینی که رستم و زال به آن تعلق داشته اند. رزم رستم و اسفندیار در واقع نبرد بین آیین قدیم ایران و آیین تازه زرتشت در زمان گشتاسب بوده است.

در حال حاضر بیشترین گروهی که تنبور می نوازند و این ساز را آموزش می دهند یارسان یا اهل حق هستند آیین یارسان دارای اصول و عقاید خاصی است که اکثر محققان و نویسندگان منشا آن را زرتشت، بودایی و میتراپی می دانند. جماعت یارسان عمدتاً از کردها و اقلیتی از ترک و لر می باشند. در ایران در استان کرمانشاه، تهران، آذربایجان، همدان و البته در کشورهای دیگر همچون کردستان عراق، ترکیه، سوریه، افغانستان، هند و پاکستان مشاهده شده اند.

زبان و گویش اکثر مردم یارسان اورامی یا گورانی می باشد که یکی از گویش های زبان کردی است. متون مقدس یارسان یه همین گویش، به صورت منظوم و هجایی می باشد. این متون عمدتاً به صورت ده هجایی است و هر مصرع آن به دو قسمت پنج هجایی تقسیم بندی شده است این گونه اشعار در ایران باستان در کتاب گاتها و بخش دیگر اوستا یشت ها در آثار پهلوی نیز وجود داشته است.

اما ساز تنبور از یک کاسه گلابی شکل که معمولاً از چوپ توت ساخته شده تشکیل شده که روی کاسه با صفحه ای از چوپ پوشیده شده است و با دسته ای بلند که بر روی آن ۱۳ الی ۱۴ پرده یا دستان بسته می شود. سیم گیر در آخر صفحه برای مهار سیم ها، و گوشی ها در قسمت بالای دسته برای کوک استفاده می شوند و خرک که در فاصله ۶ الی ۷ سانتی متری انتهای صفحه قرار دارد و در نهایت دو وتر (سیم) که یکی زیر و دیگری بم تر است. بلندای این ساز از حدود ۸۵ الی ۹۸ سانتی متر می باشد. وسعت و صدای تنبور در بم ترین قسمت که دست باز سیم و اخوان است، ایجاد می شود.

با نگاهی به مقالات و کتبی که درباره موسیقی ملل وجود دارد می توان دریافت که تنبور در بیشتر سرزمینها مانند هند، آفریقا، چین، مصر، سوریه، افغانستان، گرجستان، تاجیکستان و... به نوعی حضور دارد. البته پیداست، تنبور به هر کجا که رفته اصل از کشورهایی که تنبور در همه جای آن است. متداول ترین ساز زهی هند چوب یا کدو می سازند، چهار فولادی و چهارمی از برنج اصلی رشته های کوچکی بسته اند که به طنین آن ساز را روی شانه می تارها را می کشند.

آشنایی با نامهای آرش و ارنواز

آرش

در اوستا erexsa به معنای «رخشنده» آمده است. بارتلمه وجه اشتقاق آن را نامعلوم می داند. البته واژه ی آرشن گذشته از اینکه اسم خاص است، به عنوان اسم مجرد نیز استعمال می شود. به معنی مرد و نر در مقابل زن و از برای تعیین جنس نر ستوران هم آمده است.

در فقره ی ۳۷ آمده که تشر چست و چالاک به سوی دریای فراخکرت بشتابد، همانطوری که تیر در هوا از کمان بهترین تیرانداز آریایی Eraxsa «ارخش» از کوه «اُئیریوخشو» به طرف کوه «خوانونت» پرتاب گردید. داستان تیراندازی آرش در جنگ منوچهر و افراسیاب برای تعیین حدود خاک ایران و توران در تاریخ و ادبیات ما معروف است. کوه های نام برده شده را نمی دانیم که در کجا واقع است و امروزه به چه نامی است، اما می توان گفت، شاید کوه ائیریوخشو در طبرستان و کوه خوانونت در مشرق ایران واقع شده است.

ابوریحان بیرونی در آثارالباقیه جشن تیرگان را مرتبط با داستان آرش می داند و مناسبت آن را صلح ایران و توران معرفی می کند.

دکتر بهار نیز بر این باور است که از موارد اساطیری مشترک هند و ایران یکی، داستان ویشنو و آرش کمانگیر است. در یکی، هنوز خدایی هندو و در دیگری، بنا به رسم ایرانی، خدایی انسان شده نقش واحدی را ادا می کنند. یکی، سرزمین خدایان را دوباره به دست می آورد و در دیگری، پهلوانی است که سرزمین ایران را دوباره از دست تورانیان رها می سازد. در واقع هر دو خود را فدا می سازند.

در شاهنامه نام آرش در چند جا آمده است از جمله؛ پهلوان نامدار ایرانی در روزگار منوچهر که تیراندازی بس توانا بوده اما هیچ از داستان تیراندازی او سخنی در میان نیست. در جایی دیگر، آرش نام چهارمین پسر کیقباد است. دیگر، دلاوری ایرانی که در هنگام نبرد با کیخسرو با افراسیاب به یاری کیخسرو آمده بود. همینطور به عنوان یکی از شاهان اشکانی نیز نام برده شده است. در جایی دیگر، نام یکی از دلاوران ایرانی است که در رایزنی برای گزینش جانشین یزدگرد بزهدار بر در دخمه ی یزدگرد گردآمده بودند.

ارنواز

نام یکی از دو دختر جمشید که در اصل arenavak است که مرکب است از ارنه به معنی «سزاوار و خوب» و واز به معنی «واژه و سخن». پس معنی ترکیبی کلمه «آنکه سخنش رحمت آورد» می باشد.

در فقرات ۱۳ و ۱۴ از درواسپ یشت آمده است که فریدون برای ایزد گئوش قربانی نموده و از او درخواست که به ضحاک غلبه کند و دو زنش (سنگ هوک و ارنوک) را که از برای توالد و تناسل دارای بهترین بدن و از برای خانداری براننده هستند از او برباید. این دو زن که در شاهنامه شهرناز و ارنواز می باشند، دو خواهر جمشید هستند که پس از مغلوب شدن جم، گرفتار ضحاک شدند.

در شاهنامه آمده ارنواز را به سراپرده ی ضحاک بردند و ضحاک او را کژی آموختن گرفت و از راه جادویی بپرورد. شبی ضحاک خواب وحشتناکی دید. ارنواز که بیم زدیگی او را دید از چگونگی خواب وی پرسید و ضحاک خواب خود را برای وی بازگفت. ارنواز به او پیشنهاد داد که مهتران را از هر کشوری فراخواند و اخترشناسان و موبدان افسونگر را گردآورد و ببیند مرگ او به دست چه کسی است و آنگاه چاره ی کار خود بسازد.

ارنواز پس از ورود فریدون به کاخ ضحاک، هنگامی که گریان با او روبرو شد، نسب خود را با او بازگفت و افزود که با خواهر خود شهرناز، از بیم هلاک، رام ضحاک شده بوده است.



آشنایه با یک جوان موفق

خود را در رشته ریاضی محاسباتی از این دانشگاه دریافت کرد. ایشان مدرک فوق دکترای خود را هم از این کانون معتبر علمی در زمینه (Biostatistics) دریافت کرده است. خانم موبد هم اکنون به سمت پژوهشگر و استادیار دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در اروین (UCI) مشغول به کار است.

خانم موبد برای عرضه و نمایش کارهای تحقیقاتی خود در سخنرانی‌های بسیاری در کنفرانس‌ها و سمینارهای آمریکا و اروپا شرکت داشته و مقالاتی هم در این مورد انتشار داده است.

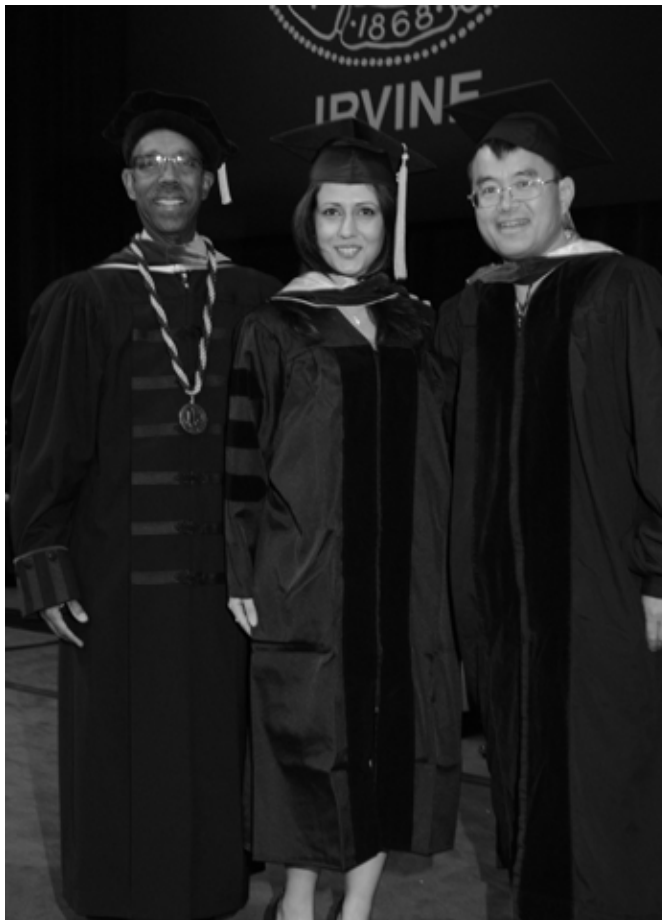
ایشان در سال ۲۰۱۱ جایزه (NCF) National Science foundation را در کنفرانسی که در کشور لهستان برگزار می شد دریافت کرد.

از خانم موبد از باورهای دین زرتشتی و تاثیر آن بر زندگی فردی و اجتماعی شان سوال می کنم. شبنم می گوید: «من همواره وابستگی و ارتباط نزدیکی با دین و آیین و فرهنگ ایرانی ام چه در ایران و چه زمانی که در آمریکا زندگی می کردم داشته ام. در تهران من هموند فعال کانون دانشجویان بودم در برنامه ریزی و اجرای برنامه های گوناگون از جمله جام جانباختگان، اردوی دانش آموزان زرتشتی و برنامه

های دیگر همکاری داشتم. از سال ۲۰۰۵ هموند مرکز زرتشتیان در کالیفرنیا شدم و به سبب علاقه و یادگیری بیشتر از کیش زرتشتی در دوره آموزشی موبدی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا جنوبی که زیر نظر دکتر رستم وحیدی بود از سال ۲۰۰۹ تا سال ۲۰۱۰ شرکت کردم و توانستم مقام موبدیاری خود را کسب کنم. خانم موبد می افزاید: من همواره تلاش کرده ام که اساس و بنیان زندگی فردی خود را با توجه به رهنمون های اشوزرتشت اسپنتمان، پندارنیک، گفتارنیک، کردارنیک پایه گزارم که این خود سبب پیشرفت در زندگی فردی و حرفه ای من شده است از خانم شبنم موبد می پرسم که دلیل اصلی پیشرفت خود را در چه می دانند و چه پیامی برای جوانان دارند.

خانم شبنم موبد سخت کوشی و آینده نگری را سبب موفقیت خود می داند. او می گوید که بدون یاری اهورامزدا و پشتیبانی خانواده اش پیشرفت و توفیق امروزی او ناممکن می بود. او می افزاید: «سخن من به جوانانی که تازه وارد آمریکا میشوند این است که فرصت های فراوانی در زمینه های گوناگون از جمله علمی و صنعتی در این مملکت وجود دارد. با توجه به علاقه و هدفی که در پیش دارید زمینه تحصیلی خود را برگزینید و با پشتکار و برنامه ریزی درست آن را پی گیری کنید. هر چند که در ابتدا دشواریهای بسیار وجود دارد اما با سخت کوشی و باور به پندارنیک، گفتارنیک، کردارنیک به هدف خود خواهید رسید و موفق می شوید.»

جوانان موفقی چون خانم شبنم موبد باعث افتخار ایرانیان و بویژه زرتشتیان در جامعه آمریکایی هستند. از ایشان برای وقتی که به من دادند سپاسگزاری می کنم و برایشان آرزوی سلامتی و موفقیت همیشگی دارم. ایدون باد



به پای گفتگو با پژوهشگر و استادیار دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در اروین مینشینم. ایشان خانم شبنم موبد می باشد که در خانواده ای زرتشتی در تهران زاده و بزرگ شده است. او پس از تحصیلات ابتدایی، لیسانس خود را در رشته ریاضی و کاربرد کامپیوتر از دانشگاه صنعتی شریف (آریا مهر) دریافت کرد و سپس برای ادامه تحصیلات بیشتر به آمریکا آمد. خانم موبد سبب انتخاب کشور آمریکا را برای ادامه تحصیل و زندگی اینگونه بازگو میکند:

آمریکا کشور انگلیسی زبان و دارای دانشگاههایی با رتبه بالا در زمینه علمی و تحقیقی است و به سبب پهناور بودن و پیشرفته بودن آن دارای فرصت های شغلی و علمی بیشتری نسبت به سایر کشورها ست. همچنین آزادی اجتماعی و زندگی مسالمت آمیز قومیت های مختلف در کنار هم در این مملکت پهناور، آمریکا را به کشوری بسیار مناسب برای زندگی و کار تبدیل کرده است.

از خانم شبنم موبد می پرسم که بعنوان یک

دختر جوان که در سن ۲۲ سالگی به آمریکا آمده با چه چالش هایی روبرو شده است. خانم موبد می گوید: «به آمریکا آمدن در سن کم، خوبی و سختی های فراوانی داشت، اما توانستم بسیار زود مستقل شوم و با فرهنگ جدید و بیگانه آشنایی پیدا کنم. در حالی که آداب و رسوم و فرهنگ غنی ایرانی ام را هم حفظ کردم. ولی باید بگویم که تحمل دوری از خانواده و دوستان و شروع تحصیلات پیشرفته دانشگاهی در کشور جدید کار آسانی نبوده است.»

خانم شبنم موبد موفق به دریافت فوق لیسانس خود از دانشگاه Claremont شد و سپس به دانشگاه کالیفرنیا در اروین (UCI) وارد شد. او در سال ۲۰۱۲ دکترای

چپاول آتشکده ساسانی شهر کرد

یکی از مهمترین تپه‌های ساسانی شهرکرد که باستان‌شناسان از این تپه به‌عنوان بقایای یک آتشکده یا معبد مهم دوره ساسانی نام می‌برند، در چندین ماه حفاری غیرمجاز ویران شد. حجم بالای سفال یافت شده درحالی این محوطه را به دوره ساسانی می‌رساند که تا این لحظه هیچ کاری برای جلوگیری از این حفاری بزرگ غیرمجاز صورت نگرفته است.

تپه باستانی بردنکان در فاصله چهارکیلومتری شهرستان فارسان و در کنار رودخانه پیرغار یکی از گسترده‌های باستانی به‌شمار می‌رود که در فهرست آثار ملی ایران نیز ثبت شده است. با این وجود، این محوطه ارزشمند در اثر بی‌توجهی متولیان میراث‌فرهنگی توسط حفاران غیرمجاز کاملاً ویران شد. کارشناسان میراث‌فرهنگی شهرکرد معتقدند، حفاران غیرمجاز در چندین ماه پی‌درپی اقدام به حفر ۲۰ ترانشه ۳×۳ کرده‌اند. ترانشه‌هایی که تا عمق ۲ تا ۴ متری گستره پایین رفته‌اند.

«حمیده چوبک» فرنشین (رییس) پژوهشکده باستان‌شناسی دستور پیگیری‌های لازم را برای نجات بخشی گستره را از دست چپاولگران صادر کرد.

فرنشین پژوهشکده باستان‌شناسی گفت: «در حال حاضر نامه‌نگاری‌های پس از دریافت خبر و مشاهده تصاویر انجام شده و باستان‌شناسان برای نجات بخشی این محوطه باستانی به‌سرعت به استان چهارمحال بختیاری اعزام می‌شوند.»

چوبک اعلام کرد: «تعجب می‌کنم که حفاران غیرمجاز چندین ماه متوالی در این محوطه باستانی حفاری می‌کردند اما تاکنون استان هیچ اقدامی برای جلوگیری از این تخریب‌ها انجام نداده است.»

باستان‌شناسان در سطح این تپه باستانی بازمانده‌هایی از ساختار یک معبد و آتشکده را شناسایی کرده‌اند



فردا

از: دکتر فرهنگ مهر

همانطور که در بخش های مختلف گفتیم، دین زرتشتی دینی است که با پیشرفت و نوگرایی (مدرنیسم) سازگار است. مقررات و قواعد دست و پاگیر و قهقرایی، در دین نیست. دین زرتشتی دین جهانی است. در دین زرتشت، امریای نهی غالباً کلی است نه موردی. دستور رعایت سلامت و بهداشت تن و روان کلی است. مسائل موردی، مثل روزه گرفتن از طلوع تا غروب آفتاب (که از لحاظ عملی در بعضی نقاط جغرافیایی مثلاً قطب شمال یا جنوب ایجاد اشکال می کند) در دین زرتشتی نیست. در عین حال سنت زرتشتی بر این است که زرتشتیان در ماه دست کم چهار روز گوشت نمی خورند. بعضی هم اساساً سبزیخوارند. این خوبی دین است. یا الزام به خوردن گوشت حیوانی که به ترتیب خاص ذبح شده باشد ممکن است از جهت علمی قابل توجیه نباشد و فقط یک سنت مذهبی باشد. نوع غذا و نوع لباس در دین زرتشتی اجباری نیست. تعطیل یک روز معین در هفته (روزی که به باور پیروان مذهبی، خدا استراحت کرد و ممکن است در کشورها جمعه، شنبه یا یکشنبه باشد) در دین زرتشتی نیست. بنابر این، زرتشتیان در هر کشوری باشند، می توانند به اقتضای وضع آن کشور، یکی از این روزها را تعطیل کنند بدون

از ارزش های معنوی، اخلاقی و اجتماعی زرتشتی است. مشکل فوری، آزادی از خرافات و تحریفات دینی است که در طول زمان و در ارتباط با سایر ادیان و ایدئولوژی ها وارد دین زرتشتی شده است. زرتشتیان مهاجر باید با دانش دین مجهز شوند تا از روی ناآگاهی، پیرو ادیان و ایدئولوژی های دیگر نشوند. با این ترتیب، نگرانی نسبت به

آن که بر خلاف مذهبشان کاری کرده باشند داستان آدم و حوا در دین زرتشتی نیست. بنابراین، جنگی بین طرفداران نظریه تکامل و طرفداران نظریه خلقت پیش نمی آید. همچنین چون حوا برای خاطر آدم خلق نشده و گول شیطان را نخورده است در مقامی پایین تر از مرد قرار ندارد. مسأله پرداخت مبلغ معینی به عناوین دینی به روحانیان، یا هیچ مرجعی حکم نشده است. بنابراین، زرتشتیان در هر کشوری، با رعایت تصمیمات اقتصادی دولت که با توجه به الزامات تورم و توسعه گرفته می شود، مالیات خود را می پردازند بدون آن که از مقررات دینی عدول کرده باشند و رعایت نظامات محیط زیست و حقوق بشر، تساوی حقوق زن و مرد و عدم تبعیض مبنی بر نژاد و رنگ برای زرتشتیان جزو اصول کلی است که در گاتها آمده است.

در کتاب مقدس زرتشتیان راجع به حقوق زن و یا سهم الارث او و فرزندان و مانند این ها، احکامی وجود ندارد که عمل بر خلاف آنها، مغایر دین باشد. بالاخره وفاداری نسبت به حکومت قانونی و دادگستر جزو سنت مذهبی زرتشتی است و مسایل مربوط به حکومت پیروان مذهب خاص بر اساس مذاهب پیش نمی آید. این قابلیت تطبیق با رعایت اصول کلی دین، یکی از اسرار بقای جامعه زرتشتی است.

مشکل فوری زرتشتیان مهاجر، قبول یا عدم قبول دیگران به دین نیست، بلکه نا آگاهی خود زرتشتیان



که امکانات اجازه دهد، از اسرار بقا و پایداری جامعه زرتشتی خواهد بود. باشد که نسل جوان زرتشتی، وارث فرهنگ کهن و ارزشمند مذهبی ایرانی بتواند مشعل پر فروغ دین را نگهداری کند و روشن تر به نسل آینده بسپارد. باشد که با رایزنی منش نیک (وهومن)، پیمودن راستی و داد (اشا)، به کار بردن مهر و ایثار (آرمیتی)، از چنان نیروی اهورایی (خسترا)، برخوردار شوند که به رسایی (هائروتات) رسند و جاودان (امرتات) دست یابند.

بقای زرتشتیان نخواهد بود. در مورد تشریفات دینی، پاره ای از تشریفات دست و پاگیر و خرافاتی که وارد سنت شده است، باید کنار گذاشته شود و یا با شرط روز تطبیق داده شود. ولی مقررات و تشریفات هم وجود دارد که از لحاظ بقا و همبستگی زرتشتیان، نهایت اهمیت را دارند و بی اعتنایی به آن ها متضمن تضعیف یگانگی در جامعه می



خجسته زادروز

اشوزرتشت فرخنده باد

و فریاد شادی گفتند خوشا به ما که پیشوایی چون زرتشت اسپنتمان زاده شده است. از این پس دین نیک و پاک مزدیسنی بر هفت کشور زمین گسترش خواهد یافت.»

بنابراین می بینیم که اشوزرتشت، با زادن و بالیدن خود در آغاز بهار چگونه با شکوه مینوی خود بر زیبایی های طبیعی این جشن افزود.

اشوزرتشت در روز خورداد و فروردین ماه، چشم به جهان گشود. از روزگاران کهن این روز خجسته در نزد ایرانیان، روزی بزرگ و فرخنده بشمار آمده و به روایتی در چنین روزی، بسیاری از رویدادهای نیک و سرنوشت ساز رویداده و از اینروست که ششم فروردین را نوروز بزرگ خوانند. در یکی از کهن ترین ادبیات مزدیسنی (فروردین یشت) چنین آمده است: « از زادن و بالیدن آبها و گیاه ها شکفتند، از زادنش و بالیدنش همه آفریدگان افزاینده جهان با آواز بلند



گات ها سروده های زرتشت

ای اهورمزدا،

باشد که از آن تو باشیم،

و از کسانی باشیم که جهان را تازه میکردانند.

زمانی که خرد و ستوش سستی و ناستواری است،

راستی به یاری مایم آید

و اندیشه ما را به هم نزدیک میکردانند.

قبل از نوروز از نانواها وقت میگرفتند و روز قبل وسایل نانوائی تمیز و آماده میشد و آرد را در طشت بزرگ به خمیر تبدیل می کردند و با دستمال سفید تمیزی رویش را می پوشاندند. نانوا با پیش بند بلند سفید خمیر را چونه می گرفت بعد با وردنه گرد و صاف می نمود و روی « لپو » می انداخت و با مهارت خاصی نان را درون تنور جا میداد در کنار تنور نیز سفره سفید تمیزی پهن می کردند که نان های پخته شده را در آن جا میداد. وقتی کار پختن نان تمام می شد نوبت کماچ و نان شیر مال و نان روغنی میشد و در پایان کار چند چونه خمیر را برای درست کردن نان خشک که به آن بربری می گفتند در نظر گرفته میشد بوی زیره و سیاهدونه و ترخون پاشیده شده روی نان ها و بوی نان تازه محفل بهاری را کامل تر می کرد.

شستن حیاط و آراستن باغچه ها و آب پاشی با آب پاش های بزرگ فلزی از دیگر کار های لازمه نوروز بود شستن دروشیشه و پرده ها و قالی و قالیچه و ملافه ها هم از کار های شب عید بود. در ضمن آش رشته و دیگر خوراک های نوروزی که هر کدام فلسفه خاص خود را داشت نیز از رسوم برگزاری نوروز به حساب می آمد.

یکی دیگر از چیز هایی مهیا می شد (چنگ مال) بود که از نان تازه روغن کرمانشاهی (روغن گوسفند) و خرما می تازه آماده میشد و بسیار خوشمزه و خوش طعم بود. کم کم همه چیز آماده برگزار ی نوروز و فرا رسیدن سال نو میشد و همه در انتظار آمدن سال نو و نوروز جمشیدی می نشستند.



عاشقانه بهاری را از سر خواهند خواندو نسیم نوروزی ترانه خوش سر مستی رادر گوش سبزه های نو رسته زمزمه خواهند کردو بوی اسپندوکندر مهمان کوچه ها خواهد شد.

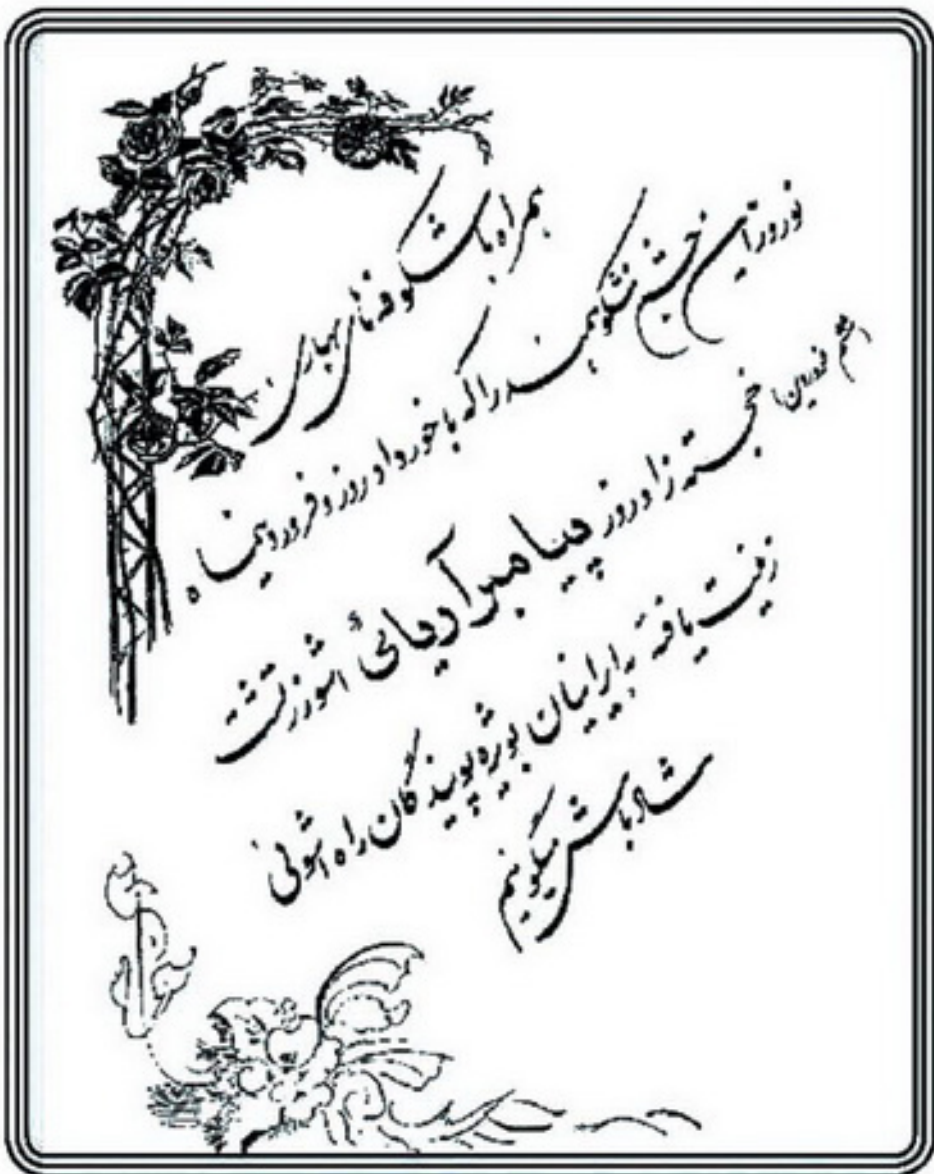
دوباره خوان های نوروزی پهن می گردد و صدای حاجی فیروز خوش خبر در کوچه های شهر می پیچد و ترانه های شاد نوروزی را هدیه میدهد به مردم که در تکاپوی نوروز هستندو من هر سال که می گذرد به یاد دوران کودکیم در کرمان می افتم و از به یادآوری خاطرات و یادهای آن دوران شاد و سر حال میشوم. از یکی دو ماه قبل از نوروز هم در تدارک برگزاری مراسم خوان نوروزی میشدند و سوال هم این بود که آماده نوروز هستی و هر کس فراخور خود پاسخی داشت. کار خیاط ها و کفاشان، نانواها و شیرینی پزها رونق بسیار داشت. پارچه خریدن برای لباس نوروزی از بازار و سپس رفتن سراغ خیاط که معمولا در آن دوران سرش بسیار شلوغ بود و همیشه جواب اولش این بود که وقت تنگ است و من نمی رسم هزاران پارچه روی دستم است ولی پس از کمی خواهش و التماس بالاخره راضی میشد و دست به کار میشد که اندازه گیری کند. برای من همیشه جالب بود که بدون مداد و کاغذ اندازه را با همان پارچه در روی بدن اندازه میگیرد و نشانه ها را با قیچی در گوشه و کنار پارچه می گذاشت و بعد زمانی را برای پرو تعیین می کرد و در دل من شوق پوشیدن لباس تازه غوغا میکرد.

بعد از لباس نو نوبت خرید کفش میشد و آنهم در روز جمعه به همراه پدرباید به بازار میرفتیم و از مغازه کفاشی کفش می خریدیم. بوی چرم تازه، فضای کفاشی را پر کرده بود و مقدار کمی کفش بر دیوار میخ شده بود. آنروزها مدل ها و رنگ های متفاوت وجود نداشت فقط چند مدل مشکی و سفید و خیلی محدود وجود داشت. مرد کفاش اندازه پا را مشخص می کرد و همیشه خاندانها سفارش می کردند که یک سایز بزرگتر بهتره باشد چون پای بچه ها زود رشد می کند خلاصه ما هم با دلخوش داشتن یک کفش نو در پوست خود نمی گنجیدیم. یکی دیگر از کارها درست کردن نشاسته تازه بود برای درست کردن فالوده، گندم ها را خریداری می کردند پاک می کردند، شست و شو می دادند و چندین روز خیس می کردند سپس می کوبیدند و صاف می کردند و سپس آب محتوی نشاسته را در طشت های بزرگ در روبروی آفتاب می گذاشتند تا آب آن بخار شود و بعد تکه های نشایته را روی دستمال های سفید می گذاشتند تا آماده شود. در بسیاری از خانه ها بانوان سمنومی پختند که آن هم آداب و رسوم مخصوص به خود داشت گندم را شسته و تمیز می کردند سپس درون آب می گذاشته پس از آنکه گندم ها جوانه زدند چرخ می کردند و صاف می کردند و آب حاصله را می جوشاندند و این کار معمولا شب تا صبح انجام میشد و همرا با روشن کردن شمع در کنار دیگ سمنو وزن عربونه و خواندن دو بیتی ها و ترانه های شاد همرا بود و با طلوعه صبح بوی سمنوی تازه در همه جا پراکنده میشد و سپس سمنوی حاصل را به فامیل و همسایه پخش می کردند و برکت و شگون را به خانه ها می بردند.

یکی دیگر از رسوم رایج در کرمان پختن شیرینی بود اگر در ایام نوروز بخانه کسی می رفتی که شیرینی بازاری سر میز گذاشته بود زیا د مورد پسند نبود و شایسته نبود بنابراین بانوان هم بر آن می شدند که خود هنر دست خود را به نمایش بگذارند و شیرینی های خوشمزه را بپزند. نون پرفک، نان کشمش، نان پنجره ای، نان نخود چی، باقلوا و غیره از شیرینی هایی بود که هنگام سال نو تهیه میشد. در آن هنگام از تمامی منازل بوی خوش گلاب و زعفران و هل و شیرینی تازه مشام را نوازش میداد.

فرهای زغالی و نفتی را پر و خالی میکردند و حاصل کار بدست آمده را در قابلمه در دار جا میدادند تا پایان دید و بازدید نوروزی تازه بمانند.

از دیگرکارهای معمول آن روزها پختن نان تازه، نان های شیرمال، نان روغنی و کماچ بود. در آن هنگام هر خانواده ای برای خود نانوائی خاص داشت بنابراین



ارباب کیخسرو شاهرخ

از: امید کاجیان

سیاسی مخالف یکدیگر، به ناچار او را بستایند کار هر کسی نیست! یکی دیگر از خدمات ارباب کیخسرو مدرسه سازی است چیزی که نیاز مردمان آن زمان بوده بعد از ساخت مدرسه احمدیه مدارس بیشتر و بیشتری به مدیریت و همتش ساخته می شوند. از این میان نام مدارس نوشیروان، فیروزبهرام، جمشیدجم، گیو و... برای زرتشتیان خیلی آشناست مدارس که برای همه اقشار مردم پایه ریزی شد. و نه یک دین و مذهب خاص.

تسلطش به زبان های روسی و انگلیسی او را نمونه ای برای مذاکرات خارجی کشور کرده بود و همین طور زبان عربی که باعث شد تا حتی ترجمه و تفسیر قرآن را هم از او بیاموزند. در کنار همه اینها تالیف و ترجمه چند کتاب را هم بگذارد.

کیخسرو شاهرخ اما جامعه زرتشتیان یزدو کرمان و تهران را از کارهای خود بی بهره ساخت. از آرامگاه زرتشتیان همچون قصر فیروزه تهران تا کرمان بگیرد و ساخت اماکن فرهنگی و تحصیلی و ریاست انجمن های زرتشتیان.

به یاد دارم وقتی که با شادروان فرنگیس راوری از بانوان فرهنگی سالهای دور کرمان در باره خاطرات ارباب کیخسرو سوال کردم گفت روزی که کیخسرو شاهرخ بابزرگترین روحانی کرمان دیدار داشت این روحانی با احترام خاصی او را تعظیم و تکریم کرده بود به طوری که تا مدتها حرف این دیدار بر سر مردم کرمان افتاد.

آزاد مهر ایزدیار رییس سالهای پیش انجمن زرتشتیان کرمان، او را منجی جامعه کرمان میداند و تاسیس انجمن کرمان و ساختارش برای حل مشکلات بیشمار جامعه را ضرورتی که فقط شاهرخ از توان اداره اش برمیآید. و مهندس فریدون فرهنگند عضو انجمن زرتشتیان تهران در سال ۴۰ هم نقش او را با مانجی هاتریا مقایسه می کند و او را رهبر زرتشتیان معاصر معرفی می کند.

بد نیست تا در زادروز کیخسرو شاهرخ به یادش شمعی بیافروزیم و تولدش را جشن بگیریم. تولد کسی را که جلوتر از زمان خودش گام برداشت و پیشرو بود و وجودش برای جامعه ما و کشورمان لازم و مفید. کسی که قدیس نبود اما به معنای واقعی سود رسان بود. سودرسانی ای که هم به مردم همکیشش رسید و هم مردم ایرانش. هفتم تیر زادروز ارباب کیخسرو فرخنده.

اما در باره ملی بودن چهره شاهرخ همین بس که در سند وزارت خارجه انگلیس آمده: «ارباب کیخسرو در کاردانی و درستکاری نامدار است. او یک مرد ملی است و هرگز تحت تأثیر افسونهای خارجی قرار نگرفته است»

کار به جایی می رسد که مرگان شوستراز او به عنوان یک حامی درستکار ایران در بدترین شرایط کشور یاد می کند و مدرس در باره او در مجلس می گوید: «تنها یک مسلمان در مجلس است و آن ارباب کیخسرو است.» شهرت و خوش نامی شاهرخ به حدی است که حتی شاعران، نویسندگان و روشنفکران منتقد آن زمان حساب کیخسرو شاهرخ را در اشعار و نوشته ها و گفته هایشان با نام بردن صریح از او از بقیه جدا کردند. اینکه یک نفر به گونه ای رفتار کند تا هر دو گروه

هم شد در زمانه ای که کمتر کسی فکر می کرد این کار از عهده یک ایرانی برخواید آمد. در جنگ جهانی اول مسول مذاکره با کمیته دفاع ملی و در قحطی بزرگ ایران مسئول خرید گندم و توزیعش بین نانوایان بود او نان یک ملت را در بدترین شرایط کشور فراهم کرد. خدمات ملی شاهرخ به ایجا ختم نشد و کارهای فرهنگی زیادی هم داشت. بنیانگذار انجمن آثار ملی ایران، کتابخانه، چاپخانه و موزه مجلس و سازنده آرامگاه فردوسی بود نگاره فروهر بر بالای این مقبره یادگاری نکو از اوست. حتی می گویند خود او بود که محل دقیق دفن فردوسی را یافت.

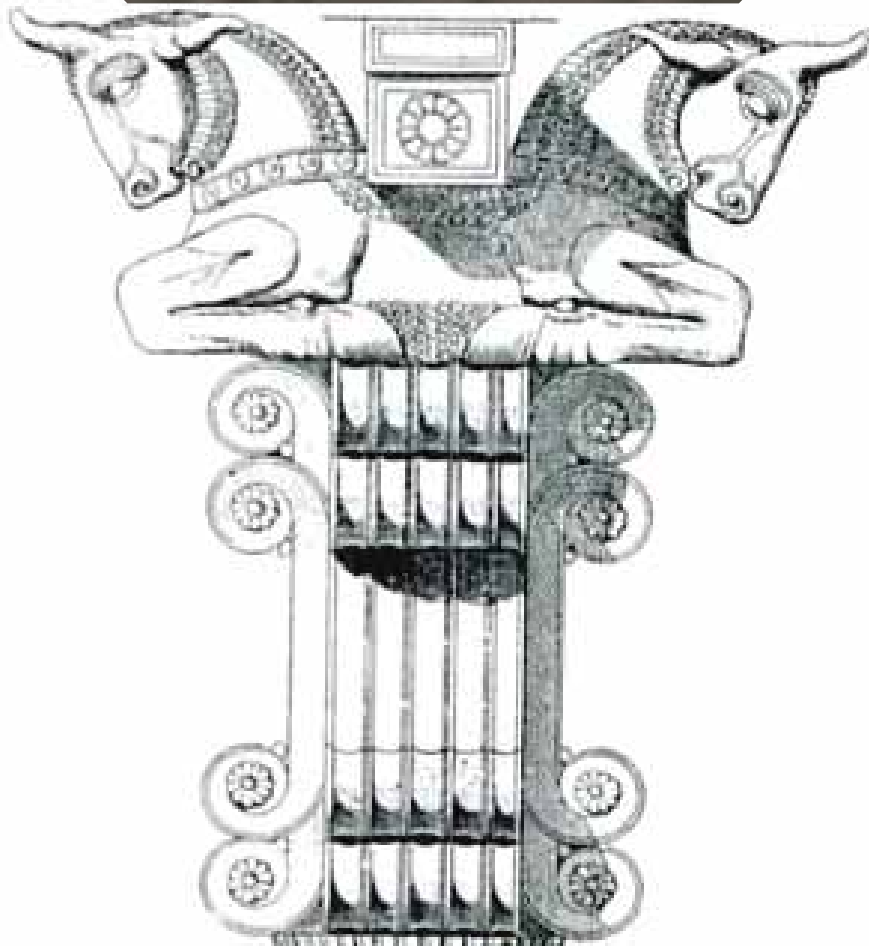
انگیزه بزرگ کردن وستایش کردنش نیست. کاری که ما ایرانیها خیلی خوب بلدیم انجام دهیم بخصوص بعد از مرگ آدمها! ارباب کیخسرو شاهرخ هم مطمئناً قدیس نیست! اما اگر بگویم تأثیر گذارترین فرد جامعه زرتشتی معاصر ایران بوده است بی راه نگفتم. او را یکی از تاثیرگذارترین های زمانه خود در کشور هم باید برشمرد. کیخسرو شاهرخ در زمانه ای زیست و اندیشید که زیستن سخت بود و اندیشیدن هم. اندیشیدنی که محدود بود به بازمانده های جو زمان قاجار. تعصبات و فکر کردن راجع به چیزهایی که عموماً مهم نیستند و مهم پنداشته می شدند و همین طرز فکر باعث شده بود تا به چیزهای مهمی که باید فکر کرد فکر نکرد. اما قیام مشروطه خود سرآغاز تغییر و نگرش در اندیشیدن بود در پایان شکستن حصرهای فکری... حصرهایی که هنوز هم از میان نرفته اند و باید با خرد، روز به روز سایه شومش را از ذهنها پاک کند تا آزادی اندیشه معنای حقیقی یابد.

نقش زرتشتیان هم در این تغییر نگرش و آغاز انقلاب مشروطه و تداوم آن غیر قابل انکار است نقشی که باعث شد از همان آغاز، اقلیت های دینی در مجلس ملی نماینده داشته باشند. شاهرخ هم در دهه سوم زندگی اش در جنبش مشروطه شرکت داشت او هم یکی از چندین و چند زرتشتی انقلابی این جنبش بود. جنبشی که ثمره آن مجلسی شد که نمایندگی اش را از دوره دوم تا دوازدهم برعهده گرفت.

درست در زمانه ای که نیاز به شخصیتی متفاوت در جامعه بود کیخسرو شاهرخ مدیریت جامعه مان را عهده دار شد، جامعه ای که زخم خورده از تاریخ بعد از حمله تازیان تا پایان قاجار، سرنوشت تبعیض و قتل عام و جزیه و در نتیجه اش خروج از دین و مهاجرت... را تجربه کرده و حال در دوره ای نو، کورسوهای امید خود را در پس سیستم جدید و مجلسی میدید که از حق این مردم دفاع کند.

چهره ملی

شاهرخ تنها یک چهره مهم برای جامعه خودش نیست. او رییس اداره تلفن کشور بود و برای نخستین بار پای شرکت زمینس را با قراردادش به ایران باز کرد. مدیر راه آهن ایران



که تصمیم گرفتیم این مجموعه را با تمایز و به مشکلات فکر نکنیم. دکتر نعیمی درباره اینکه تا چه اندازه این بیمارستان گسترش خواهد یافت می گوید: بیمارستان ۴۰۰ تختی خواهد بود و هم اکنون تا ۲۰۰ تخت آن آماده شروع به کار کردن است، فاز اول طرح توسعه که یک ساختمان ۲۱ طبقه است را داریم و هم اکنون ۲۵۰ سهامدار که تا چندی دیگر با افزوده شدن پزشکان مهمان به ۶۰۰ نفر خواهد رسید. وی درباره آنچه که در این ۶ سال گذشت خلاصه می گوید که: همه جا مسیر برایمان هموار شد و هر کاری در زمان خودش به زیبایی شکل گرفت.

از حسش درباره اینکه چنین بیمارستانی با نقش پررنگ زرتشتیان و با یاری دیگر هموطنان ایرانی شکل گرفت میپرسم که جواب میدهد: به ایرانی و زرتشتی بودنم افتخار می کنم و این باعث سربلندی ما بوده است ما از نیاکان همکیشمان که پیشرو در بیمارستان سازی و مدرسه سازی در کشور بودند الگو گرفتیم و هم اکنون و مدار جامعه بزرگ زرتشتی هستیم و این اعتبار و نام نیک را باید در این مجموعه هم پیاده کنیم. نعیمی ادامه میدهد همکاری بین جامعه ما با سایر هموطنان ایرانی بیانگر این است که همگی هدفی به جز پیشبرد کشور نداریم و دوست داریم تا همه در کنار هم احساس آرامشی بیافرینیم که در خور نام ایرانیان باشد.

دفاع از مردم بی هیچ چشمداشتی

حالا با خود می اندیشم به آنچه که نیاکانم در گذشته در امر بهداشت کشور انجام دادند از بیمارستان هایی که در شهرهای مختلف به ویژه تهران و یزد و کرمان ساختند، از اولین مدارس مدرنی که در کشور پایه گذاری کردند و امروز به کار پزشکان و مهندسان همکیشم مینگرم به خود می بالم که هنوز هم کسانی هستند که گذشتگان جامعه را، الگویی قرار داده اند تا از آن طریق به کشورشان خدمت کنند. کشوری که به نام ایران مزین شده آن طوری که اقوام و ادیانش برای هم، در کنار هم و با هم از وطنشان دفاع می کنند دفاعی که چه در صحنه نبرد و از تمامیت این سرزمین باشد چه از حیثیت و سلامت و علم مردمان این خطه آریایی و همیشه دوستداشتنی.

حالا بیمارستان تریتا مرکزی می تواند باشد برای دفاع از سلامت ایرانیان، بیمارستانی که با افتتاحش نوید روزهای بهتر برای مردم منطقه ۲۲ و سایر همشهریان را خواهد داد.

اینجا منطقه ۲۲ تهران است.

جایی که تا چند سال پیش از این بیماران اورژانسی اش برای درمان مجبور بودند با ماشین و کلی دلواپسی به بیمارستان های مناطق دیگر بروند. شاید آنوقتها کسی فکرش را نمی کرد که روزی اینجا جایی شود برای آنکه یکی از بزرگترین بیمارستان های خصوصی در خاورمیانه به دست توانگر مهندسین و پزشکان زرتشتی و مسلمان با ۱۸ طبقه مجهز، سر به فلک بکشد.

اینجا نمادی است از اتحاد متخصصین همکیش و هموطنان ایرانی برای آنکه چشم اندازهای کشور را در راه درمان و بهداشت به حقیقتی تبدیل کند که شاید قبل از این یک آرزو بود. اینجا بیمارستان «تریتا» است در قلب منطقه ای که اگرچه تنها منطقه دارای الگوی شهر سازی و معماری کشور است و عضو جامعه جهانی ایمن، اما مدتها تشنه یک مرکز تخصصی و فوق تخصصی درمانی بود تا اینکه بیمارستان تریتا این عطش را سیراب کرد. بیمارستانی که حالا از روی نقشه، به زمینی در مساحت ۶۰۰۰ متر مربع و زیربنای ۲۰ هزار متر و در ۱۸ طبقه پای گذاشته آنهم تمام و کمال، پر عظمت و قیامت با ستونهایی که خبر از استقامتش می دهد برای جایگاه امن بیماران و درمان آنها. در مکانی با لاتر از بزرگراه همت و محل اتصال بزرگراههای تهران کرج، تهران شمال، آزادگان - در منطقه ای که تا چندی دیگر جایگاه بیش از ۲ میلیون نفر از شهروندان خواهد بود. «تریتا» نه فقط از حیث بزرگی بلکه از حیث مدرن بودنش نیز در منطقه کم نظیر خواهد بود از دستگا های پیشرفته داخل اتاقها بگیرد تا کادر تخصصی و فوق تخصصی اش - اینجا نتیجه شش سال تلاش شبانه روزی است.

اما چرا تریتا؟ برای آنکه دلیل این نامگذاری را بدانم به سراغ چهره آشنایی مثل دکتر خورشیدیان می روم کسی که با جراحی های او و چشم پزشکی اش آشنایی داریم حالا باید به عنوان رییس هیئت مدیره این بیمارستان هم بشناسیمش. خورشیدیان مثل همیشه پر حرارت و با علاقه از ایران باستان سخن می گوید: واژه پزشک از ریشه «بیشه زو» (که امروزه به پزشک تبدیل شده است و به معنی آسیب زدایی است گرفته شده. وی به کلمه بیمار هم اشاره می کند که کلمه مار به معنی چست و خیز است و بی مار یعنی کسی که نمی تواند جست و خیز کند چون توانایی این کار را ندارد.

او معتقد است که ایرانیان از نخستین مللی بودند که مکتب پزشکی را بنیاد نهادند. هنوز هم انگلیسی زبانان به بیمار پیشرفت به مفهوم صبور می گویند. در حالیکه ایرانیان می دانستند که برای درمان بیماران صبر کافی نیست و باید تلاش کرد تا با تدابیر پزشکی

درمان شوند. در متون اوستایی به پنج دسته از پزشکان بر می خوریم «اشو بیشه زو» یا پزشک بهداشت، «داتو

بیشه زو» یا دادپزشک یا پزشک قانونی، «ارورو بیشه زو» یا گیاه پزشک، «مانتره بیشه زو» یا روان پزشک و «کرتو بیشه» که کارد پزشک یا جراح می باشد. او درباره اینکه چرا چنین نامی بر روی این بیمارستان گذاشته شده به پزشکی به نام «تریتا» اشاره کرده است که در واقع اولین کسی است که در ایران کارد به دست گرفته و عمل جراحی صورت داده است و بنیان گذار کهن ترین مکتب پزشکی بوده است و این افتخار ایرانیان است که چنین کسی در چند هزار سال پیش به نوعی پایه گذار بخش ویژه ای از علم پزشکی بوده است. و جالب اینکه بدانید که واژه «تریتمنت» انگلیسی از نام این پزشک ایرانی گرفته شده است.

دکتر خلیل نژاد از فراز و نشیب های تریتا می گوید

خیلی دلم می خواهد تا داستان شروع این بیمارستان را بشنوم داستانی که پایانش خوش بود اما این پایان خوش فقط یک قصه شیرین نیست بلکه عین واقعیت است. داستان بیمارستان تریتا و ماجراهای ۶ ساله اش را دکتر مهندس خلیل نژاد مدیر عامل بیمارستان برایم روایت می کند: «از سال ۸۰ یک مجموعه ۱۲ نفره را تشکیل دادیم تا یک مرکز جراحی و درمانگاه شبانه روزی را تاسیس کنیم که در بین این ۱۲ نفر دکتر خورشیدیان و دکتر کیخسرو نعیمی هم بودند. آشنایی من با این همکاران زرتشتی از همانجا قوت گرفت. مجموعه پزشکی سهند ما حاصل این همکاری بود. تا اینکه در قالب سهند تصمیم به ساخت یک مجموعه بزرگتر و بی نظیر پزشکی دیگر را گرفتیم. تصمیمی که از سال ۸۴ به اوج خود رسید تا اینکه در این راه ۱۰ نفر به عنوان سهامداران این مرکز آغازگر شدند که هموطنان پزشک زرتشتی در هسته ۱۰ نفره بیمارستان تریتا قرار گرفتند. این ۱۰ نفر به مرور زمان تبدیل به ۳۰ نفر شد و منطقه ۲۲، محلی بود که هم به دلیل تازه تاسیس بودن و هم به دلیل بکر بودن از لحاظ زیبایی ساختار مورد توجه قرار گرفت. از طرفی دیگر این منطقه فاقد بیمارستان بود. با این انتخاب بود که در سال ۸۵ زمین اینجا خریداری شد و ما توانستیم موافقت ساخت را بگیریم و با کلنگی که شخص آقای قالیباف شهردار تهران زدند ساخت این بیمارستان کلید بخورد.

وی میگوید: این از معدود بیمارستان هایی است که بر اساس ضوابط و موقعیت منطقه ای ساخته شده است. از سویی شما شاهد ساکنان جدیدی با جمعیت زیاد هستید که بیمارستان ندارند و از طرفی بیمارستان در جایی واقع شده است که از نظر ترافیکی دسترس به آن آسان است و همینطور پاسخگوی حوادث جاده ای و تضمین کننده سلامت بیماران این منطقه خواهد بود و همه مشکلات آنها را حل خواهد کرد. این بیمارستان در واقع با پکیج کامل راه اندازی شده است.

دکتر کیخسرو نعیمی عضو هیئت مدیره و معاونت مالی بیمارستان سوژه بعدی گفتگویم است کسی که خودش زمانی در مجله فروهر و البته در سازمان جوانان زرتشتی خاطره ها دارد. از مشکلات کار پروژه که می پرسم می گوید انگار که عنایت از جایی به ما شد

کشایش یک از بے ماندترین بیمارستان های خاورمیانه



هوشنگ مهر فراوندی

G۷ شاه و وزیر را در یک مسیر قرار دهد . و اما سیاه می تواند حرکت نهم خود را D۵-D۶ انتخاب کند و این هم یک فرم جدید خواهد بود و سفید جوابش E۴XD۵ خواهد بود سیاه F۶XD۵ را انجام می دهد و برتری پیاده سمت شاه را خواهد داشت.. در جلسات بعدی حرکان دیگر این دفاع را به اطلاع خواهیم رسانید . در آینده چند بازی کامل در این دفاع به اطلاع خواهد رسید . لطفا سوالات و پیشنهادات خود را با دفتر مجله در میان بگذارید تا با تجزیه و تحلیل آنان سطح دانش خود را در شطرنج با لا ببریم .

C۶ می برد سفید با رفتن قلعه بزرگ به سیاه نشام میدهد که آماده هر گونه حمله می باشد . سیاه با انتخاب حرکت نهم خود وارد فرمهای مختلف این دفاع می شود . بطور مثال C۶XD۴ یا C۳XD۴ . سیاه حرکت بعدی را A۵-DA۸ انتخاب می کند . سفید هم فیل F۱ را به C۴ میبرد و بازی ادامه پیدا می کند . و اما سیاه می تواند فیل CA را به E۶ ببرد و نوع جدیدی را شروع نماید بعد از این حرکت سفید شاه خود را به B۱ می برد که هم از پیاده A۲ محافظت نماید و هم از مسیر وزیر بیرون رود که در آینده سیاه شانس این را نداشته باشد که با فیل

محکم مهر ه هایش F۶-GA۸ را انتخاب می کند که هم به پیاده E۴ حمله می کند و هم اسب را به خدمت گرفته است . سفید با آوردن اسب به خانه C۳ هم آنرا در جای خوب مستقر می کند و هم از پیاده دفاع می کند . سیاه در ادامه G۶-G۷ را انتخاب می کند که بازی رایسوی دراگون می کشد . سفید حتما بایستی فیل خانه سیاه خود را که هم رنگ فیل خانه G۷ باشد حفظ نماید و حرکت بعدی سفید کاملا آنرا می رساند . سفید قصد دارد فیل خانه C۱ خود را به E۳ ببرد اما به محض این حرکت سیاه با F۶-G۴ به فیل مربوطه حمله می کند . لذا سفید برای جلوگیری حمله سیاه به فیل E۳ حرکت F۳-F۲ را انجام می دهد که هم از پیاده E۴ حمایت می کند و همچنین از حرکت سیاه جلوگیری می نماید سیاه برای گسترش خود حرکت معمول دراگون یعنی G۷-F۸ را انجام میدهد . سفید فیل C۱ را به E۳ حرکت می دهد و تقریبا آماده شروع بازی میباشد . سیاه حرکت بعدی را قلعه یعنی ... انتخاب می کند . سفید هم از قبل از شروع حمله آماده می شود که مهر ه های خود را در جای مناسب قرار دهد . اولین هدف سفید نیز محافظت از شاه می باشد لذا باید حرکت قلعه را هر چه زودتر انجام دهد . پس وزیر را به خانه D۲ می برد . سیاه در ادامه گسترش اسب B۸ را به خانه

با درود این هفته دفاع سیسیلی دراگون را برایتان توضیح خواهم داد و با آن بحث این دفاع حمله ای را ادامه می دهیم . در دفاع سیسیلی سیاه از طرف وزیر و ستون C حمله را آغاز می کند و سفید از طریق شاه و برتری فیل و سرباز حمله را ادامه می دهد . همانطور که بعدا نشان داده خواهد شد فیل سیاه در خانه G۷ یکی از مهر ه های قوی و موثر این دفاع خواهد بود بهر حال سفید بازی را با E۴-E۲ شروع می کند و سیاه در جواب C۵-C۷ را انجام می دهد . سفید با F۳-G۱ ادامه میدهد و سیاه هم D۶-D۷ را که یکی از بهترین حرکات برای دراگون میباشد انجام میدهد . سفید D۲-



D۴ را انتخاب می کند . سیاه با پیاده C۵ پیاده D۴ را می گیرد و سفید با اسب آنرا پس میگیرد . سیاه برای گسترش و حرکات

		1						9
6								7
	7		2	3	4			
	1	8		5	3			6
9		7		6			5	4
	5		4	1			8	3
			3	8	7			5
		4						8
	8							9

مهر فراوندی

شانزدهمین دوره

جام ملتهای آسیا



کره جنوبی اولین تیمی بود که با مرحله نهایی رسید . زیرا این تیم توانست عراق را ۲-۰ شکست دهد و استرالیا هم توانست با نتیجه مشابه امارات را شکست داد و به فینال رسیدند . تیم عراق در یک بازی سخت برای مقام سومی نتیجه را به امارات وا گذار کرد و امارات مقام سومی را از آن خود کرد . در مسابقات نهایی استرالیا توانست کره جنوبی را در روز ۳۰ ژانویه شکست دهد و به عنوان قهرمان دور شانزدهم جام ملتهای آسیا انتخاب شود . این نتیجه در وقت اضافه بدست آمد و تماشاگران فینال پر هیجان را شاهد بودند .

۱- استرالیا ۲- کره جنوبی ۳- امارات ۴- عراق

مسابقات قهرمانی ملتهای آسیا به میزبانی استرالیا از تاریخ ۱۱ دی آغاز شد . تیمهای آسیایی بعد از انجام دور مقدماتی برای شناسایی ۱۶ تیم برتر آسیا به مبارزه پرداختند . ۱۶ تیم به ۴ گروه A, B, C, D تقسیم شدند . تیمهای استرالیا (میزبان) کره جنوبی، کویت و عمان در گروه A قرار گرفت . از این گروه تیمهای کره جنوبی و استرالیا به دور بعد راه یافتند . ازبکستان ، کره شمالی ، عربستان و چین در گروه B قرار گرفتند . چین و ازبکستان به دور دوم رفتند . کره شمالی با شگفتی با ۳ شکست حذف شد و اما ایران در گروه C با امارات ، قطر و بحرین همگروه شد . از این گروه ایران و امارات به مرحله دوم رسیدند . در گروه D ژاپن (قهرمان دور قبل) به همراه عراق به دور بعد رفتند . در این دور هیچ سابقه ای با نتیجه مساوی تمام نشد . در مرحله یک چهارم نهایی ، کره جنوبی حریف خود ، ازبکستان را ۲-۰ شکست داد و اولین تیمی بود که به نیمه نهایی رسید . استرالیا هم رقیب خود چین را ۲-۰ شکست داد و به مرحله نیمه نهایی رسید . و اما از شگفتها اینکه امارات ژاپن ، قهرمان دوره قبل از دور مسابقات حذف شد و بدین ترتیب کره جنوبی ، استرالیا، عراق و امارات به عنوان ۴ تیم برتر آسیا انتخاب شدند .

به دنیا آمدن رستم به تندرستی

داستان زادن رستم، از داستان‌های شگفت شاهنامه است؛ نه به این دلیل که رستم پهلوانی یگانه بود و باید داستان به دنیا آمدن او نیز یگانه باشد، بلکه به این دلیل که برای به دنیا آمدن رستم مجبور می‌شوند پهلوی مادر را بشکافند، عملی که اکنون به نام «سزارین» در جهان شهرت دارد.

بر اساس شاهنامه، این عمل پیش از به دنیا آمدن رستم سابقه‌ای در جهان نداشته است.
 به زال آنگهی گفت تا صد نژاد که کودک ز پهلوی برون آورند
 بپرسی ندارد کسی این به یاد بدین منکری چاره چون آورند

رستم بزرگترین و نام‌آورترین پهلوان خطه سیستان است که براساس نوشته‌های تاریخی نسب او به سام پسر نریمان پسر گرشاسب پسر اثرط پسر شمش پسر طورگ پسر شیدسب پسر تور پسر جمشید می‌رسد. واژه «رستم» در نوشته‌های پهلوی به صورت rodstaxma آمده است و به معنی «دارنده قامت و تن نیرومند» است؛ «تهمتن» که در شاهنامه یکی از صفات رستم است در واقع ترجمه همین واژه است.

نام رستم در اوستا نیامده است و تنها چندجا در نوشته‌های پهلوی دیده می‌شود. داستان رستم را برخی داستانی سکایی و برخی دیگر داستانی متعلق به اقوام ساکن در سیستان پیش از مهاجرت آریاییان دانسته‌اند.

و اما داستان زاده شدن رستم در شاهنامه:

گرانی و سنگینی رستم، رودابه را بیمار و زردفام ساخته بود.
 شکم کرد فریبی و تن شد گران
 شد آن ارغوانی رُخش زعفران

هنگامی که زمان زادن رستم فراز آمد، حال مادر چنان بد شد که از هوش رفت. در ایوان دستان خروشی برپا شد و زال سراسیمه خود را به بالین رودابه رسانید که زرد و پژمرده خوابیده بود. زال ناگهان به یاد پر سیمرخ افتاد، مجمری از آتش آوردند و زال پر سیمرخ را آتش زد.

هم اندر زمان تیره‌گون شد هوا چو ابری که بارانش مرجان بود
 پدید آمد آن مرغ فرمانروا چه مرجان که آرایش جان بود

سیمرخ به زال گفت که این نگرانی بیهوده است، و باید شاد بود چرا که از رودابه سیمین بر ماهروی، شیری به دنیا خواهد آمد که از آواز او اندر آید ز پای
 به بالای سرو و به نیروی پیل
 دل مرد جنگی برآید ز جای به آورد، خشت افکند بر دو میل

سیمرخ از زال خواست تا خنجری آبگون و مردی بینادل و افسونگر را به بالین رودابه بیاورد، آنگاه رودابه را با می مست کند و از پهلوی او نوزاد را بیرون بیاورد. پس از آن پهلوی شکافته مادر را بدوزد و مرهمی از گیاهی خاص همراه با شیر و مشک را بر خستگی و زخم رودابه قرار دهد و سپس

برو مال از آن پس یکی پر من تو را زین سخن شاید باید بدن
 که او دادت این خسروانی درخت



خجسته بود سایه فر من به پیش جهاندار باید شدن
 که هر روز نو بشکفاندت بخت

بکافید بی‌رنج پهلوی ماه
 یکی بچه بد چون گوی شیرفش

بتابید مر بچه را سر ز راه
 به بالا بلند و به دیدار گش

زال موبه‌مو دستورات سیمرخ را اجرا کرد،
 بیامد یکی موبدی چربدست
 چنان بی‌گزندش برون آورد

مر آن ماه‌رخ را به می کرد مست
 که کس در جهان آن شگفتی ندید

پس از یک شبانه روز رودابه به هوش آمد و هنگامی که کودک را نزد او بردند، او گفت «برستم» یعنی «رها شدم» و از این رو آن تهمتن را «رستم» نام کردند.

از: فرزانه گشتاسب

نهادند رستمش نام پسر

برستم بگفتا غم آمد به سر

گشایش مرکز زرتشتیان در لوس آنجلس

شاخه دوم مرکز زرتشتیان کالیفرنیا در شهر لوس آنجلس گشایش یافت. این کانون که به نام مرکز آبادیان نام گذاری شده است در ماه گذشته با کمک و دهش چندین خیر اندیش و خیر خواه بازسازی شده و آماده بهره برداری است. مرکز آبادیان یک کانون دینی، فرهنگی و هنری است که کار خود را از روز ۱۸ ماه فوریه سال جاری آغاز نموده است. در این مرکز کلاسهای اوستا و آشنایی با دین زرتشتی برای سنین گوناگون زیر نظر باستانشناس و محقق ایرانی، به نام آقای دکتر علی اکبر جعفری دایر است.

امید است که به یاری اهورامزدا و با کوشش مسئولان این مرکز شاهد برنامه های گوناگون فرهنگی و هنری باشیم تا گام های بلندتری در گسترش و پیشرفت آموزش دین و زبان و فرهنگ ایران باستان برداشته شود. ایدون باددرس شهر لوس آنجلس



گلچین اشعار سهراب سپهری

من از بازترین پنجره با مردم این ناحیه صحبت کردم
حرفی از جنس زمان نشنیدم!

هیچ چشمی عاشقانه به زمین خیره نبود.
کسی از دیدن یک باغچه مجذوب نشد.
هیچکس زاغچه ای را سر یک مزرعه جدی نگرفت.
من به اندازه ی یک ابر دلم میگیرد

.....

و شبی از شبها
مردی از من پرسید
تا طلوع انگور چند ساعت راه است؟

باید امشب بروم
باید امشب چمدانی را
که به اندازه ی پیراهن تنهایی من جا دارد بردارم
و به سمتی بروم
که درختان حماسی پیداست
رو به آن وسعت بی واژه که همواره مرا می خواند
یه نفر باز صدا زد سهراب!
کفش هایم کو؟

سهراب سپهری

روزی خواهم آمد و پیامی خواهم آورد...
خواهم آمد گل یاسی به گدا خواهم داد
زن زیبای جذامی را گوشواری دیگر خواهم بخشید
کور را خواهم گفتم: چه تماشا دارد باغ ...
هر چه دشنام از لب خواهم برچید
هر چه دیوار از جا خواهم برکنند
رهزنان را خواهم گفتم: کاروانی آمد بارش لبخند
ابر را پاره خواهم کرد
من گره خواهم زد چشمان را با خورشید، دل ها را با عشق، سایه ها را با
آب، شاخه ها را با باد
و به هم خواهم پیوست، خواب کودک را با زمزمه زنجیره ها
بادبادک ها به هوا خواهم برد
گلدان ها آب خواهم داد ...
خواهم آمد، سر هر دیواری میخکی خواهم کاشت
پای هر پنجره ای شعری خواهم خواند
هر کلاغی را کاجی خواهم داد
مار را خواهم گفتم: چه شکوهی دارد غوک
آشتی خواهم داد
آشنا خواهم کرد
راه خواهم رفت
نور خواهم خورد
دوست خواهم داشت
سهراب سپهری

چترها را باید بست
زیر باران باید رفت
فکر را خاطره را زیر باران باید برد
با همه مردم شهر زیر باران باید رفت
دوست را زیر باران باید برد
عشق را زیر باران باید جست
زیر باران باید با زن خوابید
زیر باران باید بازی کرد
زیر باران باید چیز نوشت حرف زد نیلوفر کاشت
زندگی تر شدن پی در پی
زندگی آب تنی کردن در حوضچه «اکنون» است
رخت ها را بکنیم
آب در یک قدمی است ...

سهراب سپهری

هر کجا هستم باشم
آسمان مال من است
پنجره، فکر، هوا، عشق، زمین مال من است
چه اهمیت دارد
گاه اگر می رویند
قارچ های غربت؟

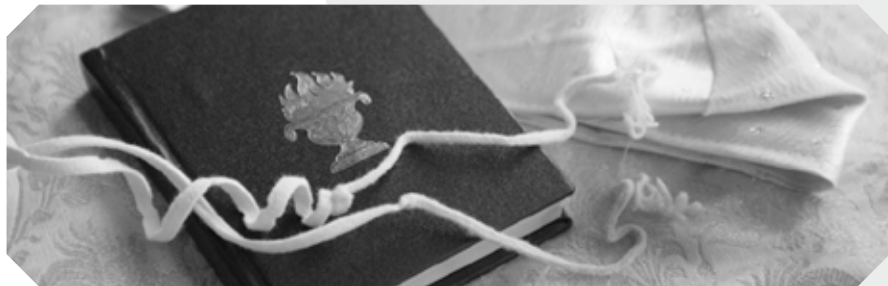
سهراب سپهری

کنگره زرتشتیان آمریکای شمالی



هفدهمین کنگره زرتشتیان آمریکای شمالی در سه روز پایانی سال ۲۰۱۴ در لوس آنجلس از سوی سازمان فزان و با پشتیبانی و همکاری مرکز زرتشتیان کالیفرنیا و انجمن پارسیان (ZAC) با شکوه فراوان برگزار گردید. سخنرانها و موضوع صحبت آنها پیرامون بخش گسترده ای از مسایل زرتشتیان در جامعه آمریکای شمالی و جهان را در بر می گرفت. خوش آمد گویی و کشایش این کنگره با نیایش شماری از موبدان ایرانی و پارسی و سپس با خوش آمد گویی از سوی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا و سازمان (ZAC) آغاز شد. در این سه روز سخنرانان و پژوهشگران و جوانان آگاهی های ارزنده ای به این کنگره پیشکش کردند. موضوع سخنرانی ها درباره آزادی در انتخاب از سوی هر زن و مرد و تساوی حقوق، احترام به طبیعت و آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان و راه زندگی و آموزشهای والای زرتشت بررسی شد.

شمار شرکت کنندگان در این کنگره بالاترین شمار در تاریخ این گونه همایش ها بوده است. برنامه های جشن و شادی در هر شب بگونه ای زیبا و برانزنده انجام شد. شب نخست برنامه شادی و رقص ۳۳ نفر از بانوان ایرانی مورد استقبال شرکت کنندگان قرار گرفت. در شب دوم ارکستر سمفونی زرتشتیان قطعات زیبایی از موسیقی کلاسیک را نواختند که بسیار دلپذیر بود. و در شب پایانی شب نشینی باشکوهی با رقص و پایکوبی جوانان و همه شرکت کنندگان بر پا گشت.



بخشته از سخنرانی موبد دکتر اردتتیر خورتتیدیار در هفدهمین همایش زرتشتیان آمریکای شمالی



به خشنودی اهورامزدا

با عرض شادباش به مناسبت برگزاری هفدهمین همایش زرتشتیان آمریکای شمالی و آرزوی تندرستی و شادکامی برای یکایک شما برگزارکنندگان و باشندگان در این مجلس سپیدینه:

بی تردید هر ملتی به زبان و سنن و آداب خود زنده است، بر پایه گزارش سازمان ملل متحد همه ساله پنج ملت در جهان از بین می روند یعنی چنان زبان و سنن و آداب خود را به فراموشی می سپارند و هم رنگ جماعت می شوند که دیگر نمی توان ان ها را باز شناخت. ما زرتشتیان باید از تاریخ درس عبرت بگیریم و به ویژه مسیولین نباید همانند کپک سرمان را در برف کنیم و فرصت ها را از دست بدهیم. خوشبختانه موضوع محور همایش امسال بسیار اندیشمندانه برگزیده شده است. چرا که «اتحاد هیچ ملتی بدون ایمان» امکان پذیر نمی باشد. امروزه جوانان ما، در اثر ندانستن دانش دین، بشدت تحت تاثیر تبلیغات بیگانه قرار گرفته اند و نسبت به گذشته پر افتخار و فرهنگ بی مانند خود بی تفاوت شده و برخی دین گریز گردیده اند. چرا که ما بزرگترها کوشش نکرده ایم آنها را بدرستی درک کنیم و به آنها دانش دین بیاموزیم تا آنها بتوانند بر پایه آگاهی و دانش به زبان و سنن های خود پای بند باشند و از وجود آنها که آینده سازان جامعه ما هستند، بهره گیری بهینه کنیم.

همه زرتشتیان به ویژه جوانانمان لازمست بدانند که دین زرتشتی در دو نماز «اشم وهو» و «یتاهو» و در «نشان فروهر» اندیشه و گفتارکردار نیک و راه در جهان یکب و آن راه راستی چکیده شده است. دین زرتشتی بصورت کاملاً علمی و کارشناسی انسانیت و اخلاق نیکو را به جهانیان می آموزد. علمی یعنی در زمان «شناخت» در جدا کردن راست (حقایق و واقعیات) از دروغ (خرافات و توهم) بر پایه علوم عقلی و در زمان ارزش گذاری در جدا کردن نیک از بد و انتخاب بر پایه علوم اخلاقی. این مهم را کتاب آسمانی ما زرتشتیان گاتها با منطق آموزگاری و اوستا و آیین های ما با منطق کلامی به مردم می آموزد و موبدان نسل اندر نسل توانسته اند از این ارزشهای اخلاقی انسان ساز، بدقت پاسداری کرده و به نسل امروز برسانند و در این عصر پر آشوب نیز نوبت ماست که این اصول اخلاقی را بدقت نگاهبانی کرده با درک بهتر و توضیحات بیشتر به نسل آینده منتقل دهیم.

زمانی این مهم میسر میشود که تک تک زرتشتیان اصول ۹ گانه دین خود را بر پایه آخرین دانش روز، بدقت بشناسند و در زندگی فردی و اجتماعی بر آن بن پایه ها زندگی کنند. هنگامی آرامش و صلح و دوستی سرتاسر جهان را فرا خواهد گرفته که همه انسان ها بر پایه اشویی با یکدیگر همزور شویم. نا آگاهان را آگاهی بخشیم و از ریاکاران دوری نماییم. سفارش اینجانی به شما بهدینان این است که برای آموختن دانش دین دست کم به سایت انجمن موبدان تهران WWW.anjomanemobedan.com مراجعه فرمایید و از مطالب آمده از آن نوشته بردارید.

NCL
NATIONAL CHOICE
LAWYERS

"Rapid. Reliable. Results."

Koorosh K. Shahrokh, Esq.
Managing Attorney



کوروش کیخسرو شاهروخ

Car Accidents
Defective Products
Medical Malpractice
Dental Malpractice
Birth Injuries
Brain Injuries
Wrongful Death
Mesothelioma
Premises Liability
Truck Accidents
Employment Law
Nursing Home Abuse
Business Litigation
Disability Claims
Burn Injuries
Appeals

We will represent you from intake through trial.

Your case is never too big or too small for us to handle.

We will not charge you any fee if there is no recovery.

We will return all your telephone calls and e-mails and keep you informed about your case.

Koorosh Kaikhosrow Shahrokh, Esq.

CALL NOW FOR A FREE CONSULTATION

6345 Balboa Boulevard
Suite 273, Los Angeles
California, 91316

1-877-682-4652

Tel: (818) 996-7301 www.NationalChoiceLawyers.com

Fax: (818) 996-7302

Mr.K@NationalChoiceLawyers.com

GET GOING AGAIN!



بهرام ایرانی

مشاور شما در املاک جهت خرید یا فروش هر گونه املاک مسکونی، تجاری یا زمین با بهترین خدمات

Tel: (818) 645-3134

email: bahirani@yahoo.com

If you are looking to buy a house or if you want to sell your house, enjoy our best services.



« کتاب گاتها »

سخنان اندیشه بر انگیز آموزگشت
ترجمه و تفسیر: دکتر آبتین ساسانفر
با جلد زرکوب منتشر شد.
برای سفارش با مرکز زرتشتیان کالیفرنیا
۷۱۴۸۹۳ ۴۷۲۷
تماس بگیرید



دکتر آبتین ساسان فر

پژوهشگر ایران باستان و دین زرتشتی در تلویزیون پارس
یکشنبه ها ساعت ۹ بامداد

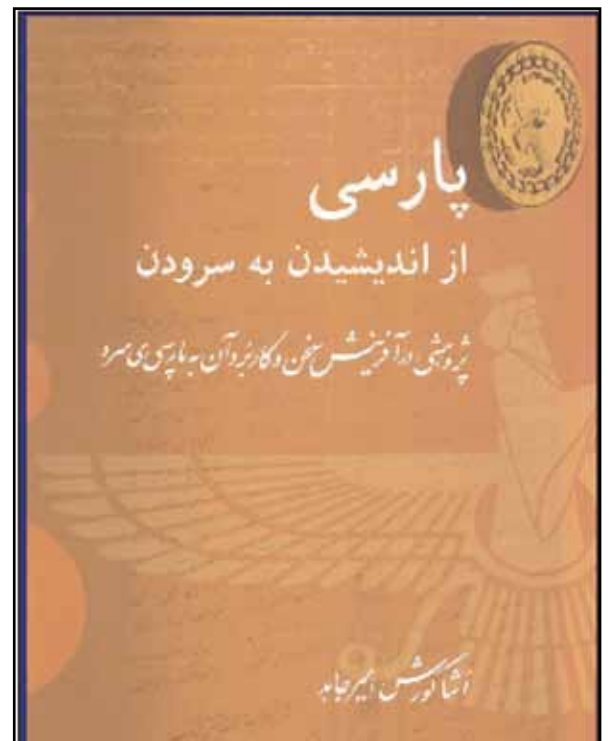
گفتگویی با دکتر آبتین ساسان فر درباره مبانی و پایه های دین زرتشتی
در برنامه ای از مسعود صدر.

این برنامه ها را می توانید زیر نام دکتر آبتین ساسان فر در youtube
یوتوب هم مشاهده فرمایید.

پژوهشی از دکتر امیر جاهد در پارسی سره برای دوستان پارسی پاک

در این پژوهش بنیاد های زبان شناسی، انگاره ی
نوین پیدایش سخن، دستور زبان پارسی سره بی
واژگان تازی، شناخت پارسی از نا پارسی، روش های
پارسی گوئی و پارسی نویسی، و برسی سنجشگرانه
ی سرودگان پارسی از گزیده سخنسرایان باستان
و همزمان گرد آمده است. دوستان پارسی سره
میتوانند آن را از شرکت کتاب در لوس آنجلس
ketab.com و یا از amazon.com خریداری نمایند.

پارسی



پیشکش فرهنگی به دوستان فرهنگ ایران
20 songs and their music notes are available for free access.
www.khodi.com

اینک ۱۴ سرود فرهنگی و ۶ ترانه رایگان در دسترس شماست.

سرودها: لوروز، زرتوز زرتشت، جشن آریه پشنگان، جشن خردانگان، جشن نرگان،
جشن سردانگان، جشن شهریزگان، جشن مهرگان، جشن ابادگان، جشن نرگان، شب بقا جشن دیگان،
جشن سده چهارشبه سوری، راه زرتشت

سروده ها: دکتر خداداد (خدای) کابایی
Vocals: Nooshafarin, Haideh, and Khodi
Music: Saeed Shahram
Email: khodi1@comcast.net
Website: www.khodi.com

11028 40th Avenue NE, Seattle, WA 98125 USA

The Seventeenth North American Zoroastrian Congress

This past year's Congress, held in Los Angeles, 29-31 December 2014, was a great success. Major effort by organizers for two years guaranteed a well-planned and executed program, hotel and entertainment, and the Congress had the most registrants since it was conceived.

Increased participation among youth and professionals from both Parsi and Iranian Zoroastrian communities was noticeable. The success of this Congress can be attributed to the energy and enthusiasm of the young Zoroastrian generation in their quest for understanding their faith and their identities as Zoroastrians.

In comparison with previous congresses, the participation of young professionals from academia and the medicine and health segments of business was noticeable.

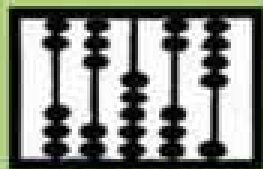
Highlights of the conference were the large spectrum of speakers' topics that for the first time spread over current issues concerning

today's North American society.

The Congress started with an opening ceremony consisting of

prayers and declarations, and concluded with a New Year's Gala. Persian Night had a variety of songs, dances and a play displaying famous women of Persia. On the second night, the Zoroastrian Symphony Orchestra was wonderful, as were the workshops and exhibitions, especially Shahnameh epics of Persian kings, organized by Siloo Mehta.

The Congress was sponsored by the ZAC, with the CZC as co-sponsor, under FEZANA's direction. The FEZANA Scholarship Committee awarded young, talented, accomplished students and professionals.



Avicenna
Accounting & Tax Services
*The Best Public Accounting
& Tax Services Firm*

- Preparation corporate & individual tax
- Preparing & reviewing income statement
- Preparing & reviewing balance sheet
- Auditing
- Preparation of financial forecasts
- Preparation of financial projection plan

8500 Leesburg Pike, Suite #203, Vienna, VA 22182
Telephone: (703) 448-6655
Fax: (703) 448-6656
www.aviaet.com
email: info@aviaet.com



سال ۱۳۹۴ را فرضنده و تدبیر باش میگویم.

آرمین غیبی

Armin Ghaiby

(949) 266-6565

armin4home@gmail.com



follow me at facebook as
Armin Ghaiby Realtor



their products. Once an authority announced their products are impure, people refused buying from them. After receiving payment, he declared that if those products were kept high in the air, are purified. A Zoroastrian girl carrying products to the city was raped. The attackers claimed she was drunk and was responsible for the crime. The girl could not tolerate the stigma and committed suicide by setting herself ablaze.

The misery of Zoroastrians is beyond description. Some even converted to Islam to be able to protect their old co-religionists.

Due to the extent of oppression, agony and destitution, many Zoroastrians ventured the hazardous journey to India. They had to risk their lives by crossing the hostile desert on donkeys or even on foot. Those who could afford voyaged aboard the ships. In India, they were recognized for Sadra and Kushti and were sheltered by their Parsi brethren. In the new environment, they proved their talents in business and science and

Zoroastrians in Persia; Alien in Homeland

prospered.

The woeful plight of the Zoroastrians caused the Parsis to dispatch emissaries to Iran. The notable one, Maneckji Limji Hataria arrived for the first time on March 31, 1854 A.D. at the age of 41. For one year he studied the general condition of the persecuted community. He found the Zoroastrians to be uneducated and suffered from endemic diseases and malnutrition. Worse than all, centuries of oppression and persecution had taken a heavy toll on their spirit. The community had no confidence in herself and no hope for the future. Maneckji upon return to India reported his findings to the Parsi Panchayet. This is truly a historical document, part of which is quoted hereunder:

Dear Sir; This noble group has suffered in the hands of cruel and evil people so much that they are totally alien to knowledge and science. For them even black and white, and good and evil are equal. Their men have been forcefully doing menial works in the construction and as slaves receive no payment. As some evil and immoral men have been looking after their women and daughters; this sector of Zoroastrians community even during daytime stays

indoor. Despite all the poverty, heavy taxes under the pretexts of land, space, pasture land; inheritance and religious tax (Jizya) are imposed on them. The local rulers have been cruel to them and have plundered their possessions. They have forced the men to do the menial construction work for them. Vagrants have kidnapped their women and daughters. Worse than all, community is disunited. Their only hope is the advent of future savior (Shah Bahram Varjavand). Because of extreme misery, belief in the savior is so strong that 35 years earlier when an astrologer forecasted the birth of the savior, many men in his search left the town and were lost in the desert and never returned. Perhaps this one sentence of Maneckji epitomizes the sorry plight of the community. "I found the Zoroastrians to be exhausted and trampled, so much that even no one in this world can be more miserable than them."

Amelioration fund was set up and from its interest income part of the Jizya was paid off. Once again Maneckji returned to Iran. This time he devoted his life toward saving his co-religionists from the brink of extinction. He followed three goals: To educate the community, to organize them and to abolish the burden of Jizya. He was a charming man who rallied the support of Dadabhoy Naorjoi and some of the European ambassadors to eliminate the injustice suffered by so many Zoroastrian generations in Iran. Several times he intervened in the unfair court rulings and forced them to reverse the unjust decisions. At that time if a Moslem murdered a Zoroastrian, the culprit would automatically be freed. If a Moslem borrowed money from a Zoroastrian and denied it, court would side with the Moslem. On the other hand, if a Zoroastrian borrowed from a Moslem and could not afford paying back, court would force his relatives, neighbors and friends to raise fund and defray the loan.

In his pursuit of educating the community, Maneckji faced unexpected difficulties for the following reasons:

1. The Zoroastrians for centuries had been prohibited from receiving education, just to be content with subsisting on menial jobs. The change of direction was difficult and even some believed that education will cause them not to be able to work and earn money:

2. The children worked and their dismal income nevertheless, subsidized the family. The families could not afford the loss of income.

3. Parents missed their children and they were not ready to send them away.

4. Some Zoroastrian leaders became envious of Maneckji, even saying that education will deprive the community of future workers who can make a living; some were even envious of children who will receive better education that they did.

Despite all the obstacles Maneckji prevailed and eventually picked up boys from Kerman and Yazd, took them to Tehran and founded a boarding school for them. He even subsidized the families for the loss of their children's income. To teach them, Maneckji published books and employed the best scholars, some of whom were educated in Europe. From these children future teachers evolved, who were scattered in the cities of Yazd and Kerman and Zoroastrian villages and educated the community. The result is that today illiteracy rate among the Zoroastrian population is near zero. With the Maneckji's encouragement and support, marriages took place and jobs were provided for the newly wed couples.

His historical achievement was the abolition of the religious tax (Jizya). Maneckji, through the direct negotiations with the Qajar King, Nassereddin Shah persuaded him to abolish the burden of Jizya and that took place in August of 1882 A.D. Through the enticement and direct involvement of Maneckji and his successor, Zoroastrians later formed local associations named after the then king, Nasser Anjumans. I would like to quote the late Dr. Adharbad Irani, the famous Bombay ophthalmologist: "Words fall short of expression, we must devote our love and warm tears to our Parsi brothers who at the most critical time came to our rescue." [23] The loving memory of Maneckji among the Zoroastrians or Iran is perpetual. We name our sons Majecki, Limji and many families have chosen his name as surname as "Maneckji, Maneckjian, and Maneckjipour." If it was not for his dedication and selfless efforts, perhaps the Zoroastrian religion had vanished in its country of origin. If we believe in the word "saoshyant" as benefactor, isn't he the one who saved the Zoroastrians of Iran from extinction?

California Zoroastrian Center
Zoroastrian Journal
Chase Bank
Account #421-334675-6

Iranians celebrate Sadeh Festival



Sadeh

(meaning 'hundred' in Persian) is a mid-winter festival that refers to fifty days and fifty nights. It occurs 50 days before Nowruz, the Persian New Year. This ancient Aryan/Iranian tradition honors the discovery of fire by King Hooshang. Sadeh has been observed since ancient times, pre-dating even the powerful Persian Empire.

Aryans/Iranians celebrate Sadeh across Iran. For example, every year on January 30th, thousands gather in Kerman, the city with the greatest Zoroastrian population, to celebrate this tradition by burning firewood in an open space.

This tradition does not have religious significance, and any person can have a good time and celebrate the precious things that Ahura/Mazda-Wise/Human has granted humanity. Zoroastrians have kept this tradition alive in Iran; and now, just like in the past, most Iranians cherish this festival.

Zoroastrianism is a knowledge/science and philosophy based on the teachings ascribed to Zoroaster. Zoroaster never claimed to be a prophet. In fact, the word 'prophet' does not even exist in the Iranian language. He called himself a Mantra, which means a thought-provoker, a word that is very distant from the word 'prophet'. It has been Christian prejudice over the ages that has marked him as a prophet.

Zoroastrians celebrate and praise Ahura/Mazda-Wise-Human, the supreme deity that is divine, sacred and holy. For a Zoroastrian, life, and all that supports it such as water, air, plants and fire, is sacred. Zoroastrians usually pray in the presence of fire, symbolizing Mazda-Wisdom/Knowledge/Science. Hence, it is Wisdom actualized in Ahura/Human that makes this world a better place.

Photos by Laleh Khajouyi

By Shahrooz Ash

The History of Zoroastrians after Arab Invasion Alien in Their Homeland - Part 2 (continuation Fall 2014 Zoroastrian Journal)

By: Dr. Daryoush Jahanian

The Qajar Era (1796-1925 A.D.)

The census of early Qajar era indicates that the total population of Zoroastrians was 50,000 and they had taken refuge mainly in the two central cities of Yazd and Kerman. One census includes a pocket of Zoroastrians living in the city of Qazvin.[20] There is no information about the fate of the Qazvin community. It is not known whether they were massacred, forcefully converted or scattered. But what about the Zoroastrians living in Yazd and Kerman? Did they live there in peace?

Despite the aforementioned favorable incident, the Zoroastrians during the Qajar dynasty remained in agony and their population continued to decline. Even during the rule of Agha Mohammad Khan, the founder of the dynasty many Zoroastrians were killed and some were taken as captives to Azarbaijan.[21] The community was regarded as outcast, impure and untouchable. Various methods were used to convert them to Islam. According to a law, if any member of family converted to Islam, he/she was entitled to all inheritance. This was a materialistic incentive to proselytize the minorities. According to Edward Browne, the wall of Zoroastrian houses had to be lower than that of the Moslems. If they were riding a donkey, upon facing a Moslem had to discount and during the rainy days they were not allowed to appear in public, because the water that had run down through their bodies and cloths could pollute the Moslems. The Zoroastrian food was considered impure and many public places refused to serve them. Harassments and persecution were the norms of daily life. At times, Zoroastrian girls were kidnapped and forcefully converted and married to Moslems and brought to town in fanfare. On top of all the misery the Zoroastrians had to pay a heavy religious tax known as Jizya. Due to corruption of the tax officials, at times twice and even three times the official figure would be collected, because every intermediary had to receive his share. If the families could not afford paying the Jizya, their

children were beaten and even tortured and their religious books were thrown in fire. That is how the term "the bookless" came about. Under the woeful conditions, some had to convert and there were those who declared themselves Moslems, picked up Islamic names, but in secret continued Zoroastrian practices. Today the latter group among the Zoroastrians is known as Jaddid (new). Count de Gobineau, the French Ambassador to Iran (1850's A.D.) expressed a pessimistic view of the Zoroastrians that reflects the plight of community during the Qajar ear. He writes "Only 7000 of them remain and just a miracle may save them from extinction." He adds, "These are the descendants of the people who one day ruled the world." Zoroastrian massacre did not cease during the Qajar rule. The last two are recorded at the villages surrounding the city of Boarzjan

The History of after Arab Inv Their Ho

and Turkabad near Yazd. Today, the village of Maul Seyyed Aul near Borazjan, among the local people is known as "killing site" (Ghatl-Gauh)[22] and Zoroastrian surnames of Turk, Turki, Turkian and Turkabadi reflect lineage to the survivors of Turkabad.

To present the true picture of Zoroastrian life in that era, I will quote several writers (Napier Malcom: 1905, Dr. Rostam Sarfeh: Parsiana, March 1990, Page 43, Khosrow Bastanifar: at last I return to Yazd, 1996, P 192 in Persian). The Zoroastrians even were not allowed to wear shoes but only slippers. They had to put on a dirty torn cap and sew a yellow old patch on their back, so that would be distinguished in public places. Their pants had to be short, so that when stones were thrown at them hit their exposed legs. They were not allowed to wear a new suit, the dirtier the cloth, and the less punishment. A prominent Zoroastrian merchant had put on a new pant. In the market place he was surrounded by mob and was forced to remove his pant, hold it on his head and walk back home. Zoroastrians entering a Moslem house had to carry a shawl upon which they had to sit, so that the place will not be polluted.

Zoroastrian farmers subsisted on the sale of

Babak Khoramdin

A true Iranian national hero

Babak Khoramdin is considered one of the most heroic freedom fighters in Iranian history. He initiated the Khoramdinan movement, a freedom-fighting movement aimed at overthrowing the (Abbasid) Tazi Arab caliph occupiers, who were at the time rulers of Iran.

Babak Khoramdin was born around 795 in the Balal Abad region of Azerbaijan in northwest Iran, close to the city of Ardabil. His father died when he was in his teens, and the responsibility of looking after his two brothers and mother fell on Babak's shoulders.

By the age of 18, he had already established himself in the city of Tabriz and was engaged in the arms trade and in industry. This engagement in business gave him the opportunity to travel throughout Central Asia and Eastern Europe.

In the 8th century, Iran was under the rule of Tazi Arab caliphs, and unrest and resistance was growing in all the Iranian provinces. Many Iranians started revolts in different regions of the country in order to regain their freedom. This, in turn, forced the Arab caliphs to use more violence against the Iranian population to keep the country under control.

Azerbaijan, which at the time was the only region in the country where Iranians had managed to resist Tazi Arab occupation, was constantly under the ravage of the Arab caliph Bani Abbas as he attempted to expand Islam further north. During this time, Azerbaijan defended itself through the leadership of Javanshir, who was in control of the region.

Witnessing all this pressure being exerted on the people, Babak joined the Khuramiyan (Khoramdinan) movement, in what later became known as Ghaleye Babak, meaning the 'Babak fortress', located in the mountains of Qaradag.

Babak's knowledge of history, geography and the latest battle tactics strengthened his position as a favorite



candidate for commander during the early wars against the occupiers. After a number of victories against the Tazi Arabs, Javanshir was severely injured and passed away. As a result, Babak took over the movement's leadership.

One of the most dramatic periods in the history of Iran was under Babak's leadership between 816 and 837. During these most crucial years, they not only fought against the Caliphate, but also against the barbaric behavior and customs of the Tazi Arabs.

Eventually, after 23 years of constant campaigns, Babak, his wife and his warriors were forced to leave Ghaleye Babak. He was eventually betrayed by an officer under his command named Afshin and handed over to the Abbasid caliph.

At Babak's execution in 838, in order to convey the most devastating message to his followers, the caliph's henchmen first cut off his legs and hands. Legend has it that Babak bravely rinsed his face with the drained blood pouring out of his cuts, thus depriving the caliph and the rest of the Abbasid army from seeing his pale face, a result of the heavy loss of blood.

There are many speculations about Babak's origins. No matter what region

of Iran he was from, he was a true Iranian freedom fighter. His sensational and legendary campaign to defend Iran's national identity and interests is still celebrated after nearly 1,200 years in

Kaleibar, southern Azerbaijan, every year in Teer Maah (the month of July). Iranians visit Babak's fortress to hail their hero as the symbol of Iranian resistance against Tazi Arab occupiers. They read poetry including Ferdowsi's Shahnameh (The Book of Kings), Iran's most famous epic, and play traditional Persian music. They also light bonfires, following the traditional rituals of ancient Iran.

**HAPPY
NEW
YEAR**

By: Roshan McArthur

Cooking for charity



ZSM committee members with the sixth edition of the cookbook in February. Image: Neeraj Murali

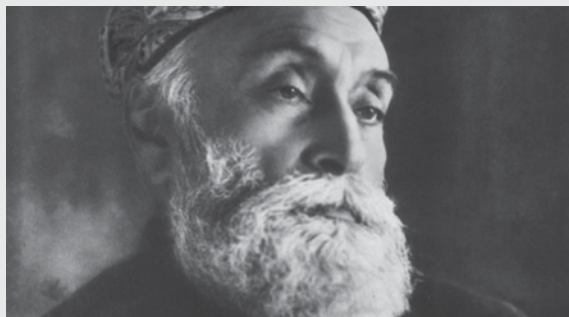
The first edition of the Zoroastrian Stree Mandal (ZSM) cookbook was published in 1965, to raise money for women who lost their husbands in the Indo-China War. Today it has become a fundraising staple for the well-known Secunderabad-Hyderabad charity.

'The sixth edition contains more than 250 recipes – regional, traditional and Parsi – and the proceeds of the book will go to charity,' said Rashna Mistry, ZSM's fundraising convener on its release in February. Two thousand copies of the book have been printed.

The ZSM is affiliated with the Indian Council of Social Welfare and works with needy Zoroastrians, as well as contributing to care-giving organizations like the Home for the Aged, Lok Kalyan Samiti, and the Spastic Society of India. Book sales are a large part of the ZSM's fundraising efforts, which also include functions like jumble sales, charity premieres, melas and theater productions.

According to community president Perviz Nalladaru, money is donated to any person in the Parsi community who is in genuine need. 'Apart from that, we donate medicines, get children educated, help orphanages and NGOs like HelpAge India.'

Jamsetji Tata visionary industrialist



Jamsetji Nusserwanji Tata (1839–1904), founder of the Tata Group, India's biggest conglomerate company, is widely regarded as the 'Father of Indian Industry'. He was born to a Parsi Zoroastrian family in Havsari, which at the time was part of the state of Baroda.

Tata's father was the first in his family to break away from the priesthood and try his hand at business. His son followed suit, joining him in his trading firm then achieving great success in his own right as an entrepreneur. An early achievement was in cotton mills, outside of the center of the textile industry in Mumbai. Like the best entrepreneurs, he saw a gap in the market and exploited it – with great success. Once he was in possession of

a personal fortune, Tata began four very ambitious projects. One he completed before he died at the age of 65, and that was the Taj Mahal Hotel on the Colaba waterfront in Mumbai in 1903. The others his successors completed.

The second was building a steel plant in Bihar. Many saw this as a ridiculously ambitious notion, but he proved them wrong. Tata Steel is now the world's fifth largest steel company. The second was a hydroelectric power plant near Mumbai, the third was a research institute for science in the region, the Indian Institute of Science basis of the Tata Hydroelectric Power Supply Company. T which formed the in Bengaluru.

What drove Tata was setting extremely high ethical standards and business practices for his companies, based upon the Zoroastrian principle of 'Good thoughts, good words, good deeds'. He also pioneered the idea of professional management in India. As he created projects, he delegated to managers, who would take them on and allow him to move on to other projects.

Tata believed in the power of thought and analysis, using studies and data to counter governmental restrictions, and this allowed him to break through limitations other companies had encountered. His projects were all brought to life only after careful study of what would make them either profitable or socially impactful. He thought them through and left a blueprint that others could bring to life even in absence, combining sound business sense with social responsibility. A true visionary, he never took the easy route to wealth. He believed in people and society. His legacy in business and education is a testament to this vision.

MAPS OF PERSIA 1477-1925

a graphical journey through the history of Iran

The Centre for Iranian Studies at the London Middle East Institute and the Brunei Gallery at the University of London's School of Oriental and African Studies (SOAS) are delighted to present Maps of Persia 1477-1925.

This exhibition features a selection of maps – urban plans, topographic maps and sea charts – taken from Dr Cyrus Ala'i's Map Collection of Persia, over 250 maps that were gifted to SOAS in 2013. The collection includes important printed general maps of Persia and more specialist items from the early editions of Ptolemy at the end of the 15th century. Over the years, he collected around 300 old maps of Persia, one of the world's largest personal collections. Dr. Alai recognized that Persia has been mapped extensively for centuries but the absence of a good map history and cartobibliography often deterred scholars from making use of such maps.

As a result, he produced a monumental cartobibliography in two volumes. General Maps of Persia, 1477-1925 (2005, reprinted 2010) and Special Maps of Persia 1477-1925 (2010) were both published by BRILL in Leiden. Then in 2013, he donated his map collection of Persia to SOAS to be made available to all researchers of Iranian studies worldwide. up until the end of the Qajar dynasty in 1925.

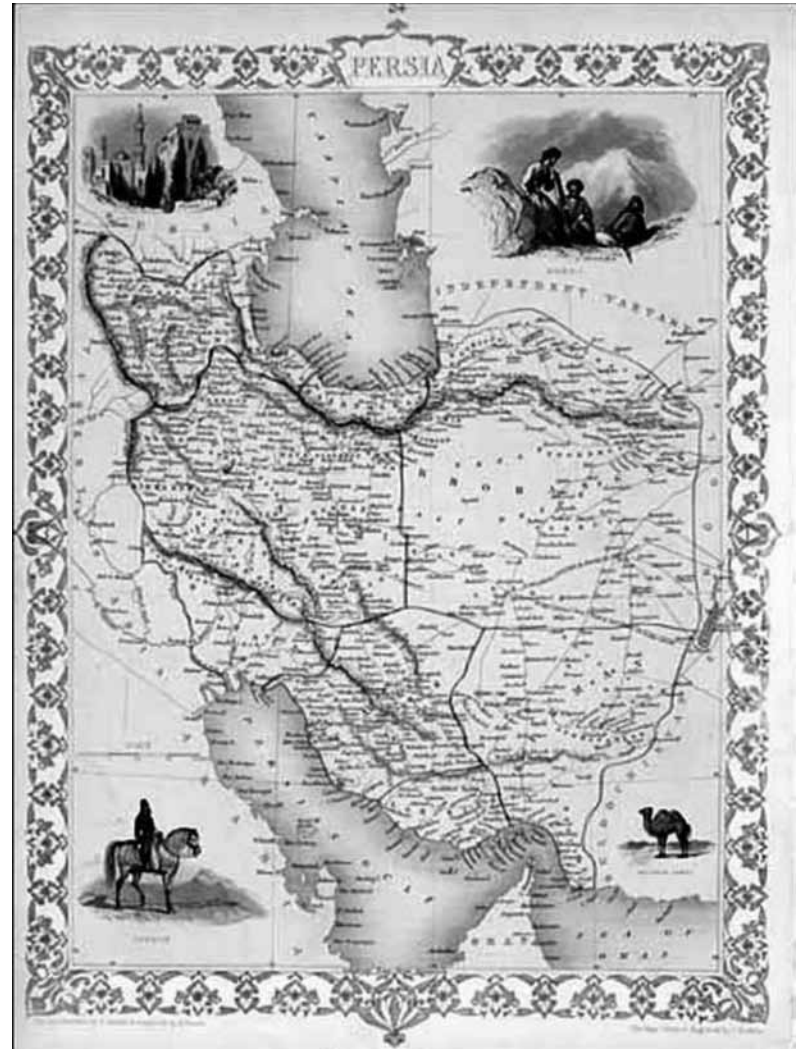
Iran, or Persia as it was known in the West for most of its long history, has been mapped extensively for centuries, and many of the maps included in the exhibition will be publicly shown together for the first time. These maps illustrate how cartography and the mapping of the region advanced with scientific accuracy in detail, whilst not ignoring their often artistic and design elements.

The maps, along with other supporting material, are presented within the context of Persia as an important cultural crossroads in southwest and central Asia

– illustrating how the region was viewed, interpreted and recorded by both indigenous scholars and visitors from abroad.

The distinguished Iranian scholar and contributor to the Encyclopaedia Iranica, Dr Cyrus Ala'i worked as a consulting engineer in England for many years and studied the history of cartography in his free time. He was the honorary treasurer of the International Map Collector's Society (IMCoS) for nine years, and was responsible for numerous articles and lectures on the cartography of Persia and the traditional cartography of classical Islamic societies.

The current exhibition is made possible by the generous support of the London Middle East Institute and the Centre for Iranian Studies, SOAS. It runs through 21st March.



These days work takes me to places that many of my friends, family and community members know very little about: inside some of this country's prisons and jails. What most in the general community know about the American system of justice is often learned through slanted views presented in the media or on TV shows like Law & Order or Crime Scene Investigation. And though I like my crime drama once in a while too, occupying this space through work allows me to realize that most of what I see on television is not specifically reality.

The most striking thing we need to recognize about people who are locked behind bars is that they are people just like the rest of us. Some have made terrible mistakes; some have been caught up in the system as a result of lack of access to education, jobs and other basic opportunities that human beings need in order to thrive. And almost all come from communities that are deeply entrenched in poverty. Yet, our justice system, the media, and public misperception anyone who has come in contact with the criminal justice system. dehumanize

A few months ago, my colleagues and I took a trip to visit a group of youth held in a juvenile

and work on projects to support communities from which they came. Essentially, these men were older versions of the kids we had met the week before. They spoke of the broken homes and broken communities they came from. They spoke about how all of that was held against them during their trial and sentencing. And they too spoke of the need to treat kids as kids and invest in them for a better future.

These visits are never easy. You are left with a sense of how much human life and potential is wasting away. I left this last visit with a much heavier heart than usual. I felt a sense of shame for our country because the men I met in there surely didn't have to always be defined by their worst mistakes. They have been defined by it, judged for it, and thrown away for it. And the way this all makes sense to the rest of society is through a very cruel and real dehumanizing process – because of an insatiable need we seem to have for retribution, and through a process whereby a criminal record follows

you through life and creates barriers to employment, housing, voting and other

AN Inhumane System of Punishment

BY Dr. Niaz Kasravi

detention facility in Los Angeles. We had the chance to sit down and speak with some of the kids who were awaiting trial behind bars. Most of the kids we met were being tried as adults. They told us about the programs they have available to them inside. And they spoke about the challenges they face with getting the support they need to improve their lives and therefore improve the communities to which they will eventually return. Though some of the kids we met have committed serious crimes, there was no denying the fact that they were just kids. And for all the scientific reasons that society has used to distinguish the age of maturity at 18 - all having to do with brain development - the same reasons should be applied to deciding whether a youth under that age should be held to the same standards as an adult. The answer should be: No.

A week after this visit, we went up to San Quentin State Prison. There, we sat down with a group of men, in their thirties and forties who had received life sentences as youth. They were operating a program from inside the prison to support one another, create awareness about prison conditions,

basic rights.

We live in a country that has 65 million people with criminal records, we are the world's leader in incarceration - with nearly 2.4 million people behind bars; we are 5% of the world population and 25% of its prisoners. We spend over \$70 billion annually on our system of incarceration.

Prison and jail should never have been the answer to everything. But at this rate they are certainly ineffective and unsustainable. We begin to change this by bringing humanity back into the equation. Not just for the kids who are caught up in the system and perhaps most susceptible to change, but for all the men and women whose humanity is being denied by a system that has never worked to create public safety. And that is because its main purpose has been retribution.

If we actually want a system that holds people accountable, yet provides the basic support for them to become productive members of our communities – to which 95% of them will ultimately return – it's time to revisit our policies and reframe the issue as one of human beings, not criminals.

Statue of Omar Khayyam to be set up in Manhattan

A statue of Persian classic poet Omar Khayyam (1048-1131) is scheduled to be installed in Manhattan, New York City. Created by the Iranian sculptor Hossein Fakhimi, the two-meter tall statue was sent from Tehran to New York in September of last year. The decision to set up the statue as a Persian symbol was made by



Manhattan municipal officials during Iranian President Hassan Rouhani's trip to New York in September 2013.

Fakhimi has made two other copies of the statues, one of which will be installed in Khayyam's hometown of Neishabur and the other in Florence, Italy.

'I conducted two years of studies before starting the carving of the statues, since it was important for me to know different aspects of Khayyam's character,' Fakhimi told the Persian service of MNA.

Khayyam was not an only a poet, but he was a great astrologer, philosopher and mathematician, he added.

He said that in addition to his studies, he had conversations with scholars Hossein Elahi-Qomsheii and Gholamhossein Ebrahimi-Dinani on Khayyam.

'I decided to carve the statue from stones mined in Iran,' he said.

One of the statues was transferred to Neishabur on the National Day of Khayyam on September 2, 2014, and it will be erected in an appropriate place designed for the statue.

Another copy of the statue will be installed in Florence, following an order by Iran's cultural attaché in Rome during the Khayyam commemoration ceremony in Italy in 2010.

Omar Khayyam, a Persian mathematician, astronomer and poet was renowned in his own country and in his own time for his scientific achievements, but is chiefly known to English-speaking readers through the translation by the English writer Edward Fitzgerald of a collection of his Rubaiyat (quatrains) in The Rubaiyat of Omar Khayyam (1859).

Firdous Bamji's character the soul of Indian Ink

Source: India West, January 30, 2015

By Lisa Tsering

Tom Stoppard premiered his drama *Indian Ink* in London in 1995 and presented the American premiere of the show with director Carey Perloff at the American Conservatory Theater in San Francisco 15 years ago.

Earlier this year, the acclaimed playwright collaborated with Perloff for a reworked version of the play — set in 1930 and offering a fresh look at the British occupation of India through the eyes of a young British poet and the brilliant, complicated Indian painter she falls in love with.

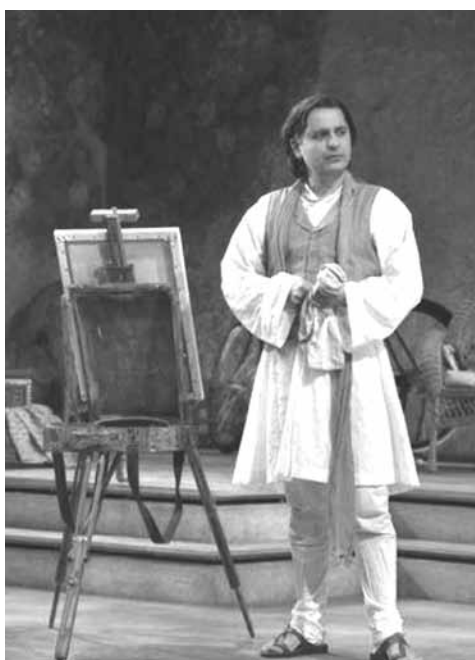
Indian-American actor Firdous Bamji was a marvel as the artist Nirad Das, a man whose flighty mannerisms veered toward the comical but who quickly shifted to a serious, cerebral tone as he expounded on topics as heady as the history of erotic paintings or the definition of 'rasa'. 'Rasa is the emotion conjured up by what we see, read, hear, taste or feel,' Das explained.

Opposite Bamji was Brenda Meaney as Flora Crewe, a willowy poet encamped in a small Indian town as she recuperated from an unnamed ailment. The two sparred and quarreled as a growing romance took form. Violinist Arun Ramamurthy and Mridangam artist Akshay Anantapadmanabhan contributed an original score and live music.

Although the three-hour play itself didn't completely satisfy on a dramatic level — tensions never rose to a boil, and the audience was cheated from seeing a love scene and a death that are

both critical to the story — Stoppard is to be commended for his grasp of the Indian political context he interjects into the drama.

In one scene, black-tie-wearing British aristocrats



in the fictional town of Jummapur danced at a party on an evening in April 1930, on the very day that Mahatma Gandhi made headlines by completing his historic salt march to the sea. When a character wondered if anyone in India even knew or

cared about Gandhi's action, Flora quipped, 'Well, they've heard of him now.'

In another scene, local Theosophical Society leader Coomaraswami (Ajay Naidu, lively and hilarious) swung

between fawning deference to 'firangi' Flora and spewing a rash torrent of Hindi abuses at his Indian underlings. Bamji's character was the soul of the play, and his performance fascinating. Born in Mumbai, Bamji attended the prestigious Kodaikanal International School before moving to Bahrain and later to South Carolina

with his family.

It was at Kodaikanal in the sixth grade that Bamji started out as an actor. Later on attending college in South Carolina and earning a degree in journalism, he also sang in a rock band.

In addition to working with M. Night Shyamalan (*The Sixth Sense*, *Unbreakable*) and fellow cast member Naidu (on Naidu's directorial debut *Ashes*), Bamji has appeared on American TV shows including *Law & Order: SVU* and *Law & Order* and many films.

His work in the film *The War Within* earned him an Independent Spirit Award for best supporting actor in 2006. Onstage, he has played leading roles in works

by Tony Kushner and Eric Bogosian. Bamji played Anish Das, the grown son of Nirad Das, in an earlier production of *Indian Ink*, as well as a character in another Stoppard play, *Rosencrantz and Guildenstern Are Dead*. Bamji is also a busy voice actor who has narrated the audiobook editions of 16 bestsellers.

In 2007, Bamji received widespread acclaim for his work on Simon McBurney's award-winning *A Disappearing Number*, which told the story of Indian mathematician Srinivasa Ramanujan and his mentor, Cambridge Don G.H. Hardy. Stoppard and Perloff said in a statement that they had tweaked the play to focus more on the romance between Das and Flora than on the politics of the era.

'I think time has caught up with this play in a good way,' noted Perloff. 'Today, the notion of cross-cultural love affairs, and the complexity with which colonized peoples inevitably end up taking on the characteristics of their colonizers, are things we actually know about.'

'In the 15 years since it was done, the relationship between Flora and Das has become much more interesting and complex, because these ideas are more in the world than they were then.'

Bamji observed: 'It's about falling in love, and how you recognize someone. The trappings fall away. The human being-to-human being connection defies culture, defies language.'

Zarathushtra's vision of Ahura Mazda in Gathas and its impact on humanity

By Mobed Behram Deboo

Zarathushtra was a unique, enlightened, perfect soul whose words in Gathas empower us, enlighten us and give us wisdom. Our finite mind has limitations in understanding the deep meaning inherent in his words. As Professor Noel King at the University of California Santa Cruz says: „The human being ordinarily functions in the context of the finite and temporal but can find a transcendent culmination in unitary holistic consciousness with its associated power to function in the infinite and eternal as exemplified by the Perfected Holy Ones.“ Zarathushtra was one of the Perfected Holy Ones. With this premise, we can proceed to study his Mantras of „vision of Ahura Mazda“. Yasna 45 of the Gatha Ushtavaiti is the Second Sermon according to Dastoor Bode.

Yasna 45.8

têm nê staotâish nemanghō â vîvareshō
nû zît chashmainî vyâdaresem;
vanghêush manyêush shyaothanahyâ
ukhdhakhyâchâ
vîdush ashâ yêm mazdâm ahurem;
at hôi vahmêng - demânê garô nidâmâ.

Translation:

Him I shall seek to turn towards us with respectful spiritual songs of praise (because) have, now indeed, envisioned (seen) Him clearly with my eye(s), and with good mental insight, word(s) and deed(s). I have known who (is) Mazda Ahura through righteousness. Hence, we will lay down, for Him, our loving devotions in the House of Song (heavenly abode). (B. Deboo)

From here it leads to the Philosophy of Vision in Gathas. This is a mystical aspect that an unenlightened mind cannot understand. How can we perceive what Zarathushtra means when he said that he has clearly seen Ahura Mazda with his eyes? We cannot perceive this Cosmos in one way in a sense of matter only. Scientists tell that this Cosmos is a living organism.

As Einstein said: science without religion is lame, religion without science is blind.

We are not discussing that type of mysticism that is conveyed by the New Age groups and other charlatans (imposters).

Dr Farhang Mehr, Dr Daryoush Jehanian, Hannah Shapero, Dr Humbach and others have written on the mysticism found in Gathas. Dr Humbach uses the word „esoteric“, which means there are some mysterious things that can be understood only by those who have special knowledge. According to him, there are poetries in Gathas that show esoteric allusions. And that makes sense if we look beyond our perception of senses.

Hannah Shapero defines mysticism as „an ongoing life lived in the presence of God, a God to which the mystic relates as a Beloved as well as a source of wisdom.“

As an example, a dog's sense of smell, sight and hearing are far, far superior to ours. We have a notion that if we do not see, it does not exist. The air we breathe is not seen by us. We hear but do not see sound waves. Yet, they exist. In a similar way, there are many things that, although we do not see them, do exist, like space and time.

We do not see the earth rotating on its own axis at 1,041.7mph, or orbiting the sun at a speed of 69,360mph. Instead we observe the effect of the motion, such as day and night, and the seasons.

Just imagine. It takes eight minutes for light to travel from our sun to our earth, moving at a speed of 186,000 miles per second. The distance moved in one year at such a speed is called one light year. Many of our galaxies, stars and black holes are billions of light years away from us. Our vision of the universe is limited. We can never catch up with the expanding Cosmos. In the same way, we are limited with our finite mind in knowing the infinite, ultimate reality that exists.

The idea of vision is found in other verses of the Gathas in the poetic spirit.

Yasna 28.5

Zarathushtra says, „O Asha, after having realized wisdom, when shall I have vision (daresani) of Thee and Vohu Mano?“

In Avesta, the word Daresani comes from dares, to see. In Sanskrit it is dars, to view, see, behold, etc. The noun darshan means „vision of the Divine or a holy person“.

Yasna 30.1

In this hymn, Zarathushtra recites the praise for Ahura, Vohu Mano and Asha so that he may have a perfect vision (daresâtâ) in the realms of light. We do not know what he means. Does he desire to have a perfect vision of the Divine Light?

Yasna 31.2

Zarathushtra says that the soul (of creation) does not have clear vision (aibi dereshtâ). I have come as Ratu („spiritual master, prophet“ – Dastoor Bode) appointed by Ahura Mazda for two opposing parties so that we may live in harmony with Asha. He hopes to change the Dregvants („the deceitful people“). As Dr Farhang Mehr said, „Zarathushtra was a prophet and also a philosopher.“

Yasna 31.8

When I held Thee in my very eyes (chashmainî), I realized Thee in my mind, O Mazda, as the First and also the Last for all eternity, as the Father (Patarem or Pita in Gujarati) of Vohu Mano as the true Creator (haithya damim) of Asha, and Lord over the actions of life. (Dastoor Bode)

It's a wonderful verse where Zarathushtra reminds us that before all creations, Ahura Mazda was the First and will remain the Last. Does that mean he has no beginning and end?

Yasna 43.5

Then, O Mazda Ahura, I did realize Thee as the Most Bountiful (Holy, Divine) when I envisioned (daresem) as the First at the birth of life. (Dastoor Bode and Dr Taraporewalla) Before any life came into existence, Ahura Mazda was the First. In one of the prayers, we pray, „I bow down to you, O Ahura Mazda three times before any creation.“

Yasna 43.11

Then I did realize Thee as the Most Bountiful One, O Mazda Ahura, when the Good Mind encircled me completely. When I first become enlightened through Thy words, Thou didst teach me how hard it is to induce faith among mankind, yet I will practice what Thou didst declare to me is the best. (Dastoor Bode)

A highly spiritual soul reaches to the top of the spiritual mountain and acquires spiritual enlightenment. An enlightened soul has a great spiritual insight free from illusion based upon relevant spiritual experience.

In Yasna 43.15

Then did I realize Thee as the Most Bountiful One, O Mazda Ahura, when Vohu Manah encircled me completely. He declared to me that silent meditation (tushnamaiti) is the best for attaining spiritual enlightenment. (Dastoor Bode)

In Yasna 43.16, may the life of flesh be vitalized by Asha. In Yasna 46.17, Zarathushtra tells Jamaspa that Seroasha is standing firm within you, you seek the Lord's adoration.

In the Abrahamic religion, YHWH (God) who is a tribal God selects a prophet. While Zarathushtra on the other hand, finds Ahura Mazda in the form of Divine Vision. Then only, Ahura Mazda appoints him as Ahu (Lord) and Ratu (Prophet) for both existences, material and spiritual.

Zarathushtra entered from the third into the fourth dimension just as a 13-year-old math, science and physics genius and PhD candidate who has a higher IQ than Einstein and who is developing his own „Theory of Relativity“, describes his very unusual ability to solve the complex mathematical problems as the vision that comes to him through the fourth dimension that is, according to him, hard to describe.

Professor Bruno Borchert says: **“Zoroaster was a mystic. He was also a religious person**

who has decisively influenced western mysticism and spirituality. In Zoroaster mystical illumination led to visions – insights that presented a new view of the whole of the reality.

The mysticism of Zoroaster is remarkably fresh and original because personal experience fired his love for the All-highest and gave him intense longing for a state of existence beyond earthly one, “the bridge that still divides us from Thee.”

Old Iranian at the University of Texas

Scholars interested in the study of Old Iranian may be interested to hear of the Linguistics Research Center (LRC), a research unit in the College of Liberal Arts at the University of Texas at Austin.

Its website offers an extensive library of texts and lessons for beginners in languages such as Armenian, Albanian, Baltic, Old English, Old French, Gothic, Classical Greek, New Testament Greek, Hittite, Old Iranian, Old Irish, Latin, Old Norse, Old Russian, Sanskrit, Old Slavonic, and Tocharian.

Since its founding by Winfred P. Lehmann in 1961, virtually all LRC research projects have involved the processing of human language with the aid of computers. The goals of the LRC are 'to deepen the understanding of language as a structure consisting of symbols, and the computer seems ideally suited to help increase our knowledge of that system for languages of both the past and the present. As computational tools and theory have developed, they have become increasingly useful as aids to the development of language descriptions and the testing of linguistic theory.'

The principal activities of the LRC have included machine translation, historical study (especially of Indo-European languages), lexicography, bibliography, and indexing.

The website contains thousands of pages, most of them devoted to ancient Indo-European languages and cultures. 'For novices,' it explains, 'all Indo-European languages are descended from a common ancestral tongue called Proto-Indo-European, spoken about 5,000 years ago before the invention of writing. This language as such died out, leaving ten or more dialects that eventually evolved into the many Indo-European languages of recorded history and the present, for example Sanskrit, Greek, Latin, Russian, and English.'

According to the website, Indo-Iranian languages are traditionally spoken in West, Central, and South Asia. 'The area in which Indo-Iranian languages were originally spoken was much larger than at present; in fact, they were previously spoken as far west as Eastern Europe.'

Career NEWS



Shehnaz M. Bhujwala has been promoted to partner at Boucher LLP, a Woodland Hills, California-based law firm. Before Boucher, she worked at Khorrami Boucher LLP, Kiesel Boucher & Larson LLP, and Greene, Broillet, Panish & Wheeler LLP. Bhujwala was named a 'Southern California Rising Star' by both Los Angeles Magazine and Southern California Rising Stars Magazine. She has a BA in psychology from UCLA and a Juris Doctor from USC's Gould School of Law.

Source: India West, January 30, 2015

Lladro Lithophane Votive: Zarathustra

The Zoroastrian Association of Greater New York (ZAGNY) is excited to announce an exclusive partnership with Lladró to bring you a stunning Zarathushtra votive.

Released and designed by Lladró in 2014 as part of their Lithophane Votive Light Series, each votive is handmade in Valencia, Spain, with an intricate engraving of Aho Zarathushtra on one side and a beautiful divine Farohar on the other. The votive is 4.75" high by 3.5" wide and includes a battery-operated high-intensity tea light, made especially by Lladró, to enhance the intense glow of each votive.

ZAGNY is offering this unique, must-have votive for US \$100, with no sales tax or shipping and handling charges. Proceeds from the sales will benefit ZAGNY's Darbe Mehr project. The votive will be a collector's item. It is a wonderful gift for your spouse, parents, children or grandchildren on occasions like Nowrooz, birthdays, anniversaries and graduations.



to order

Visit:

<http://zagny.org/lladro-lithophane-votive-zarathustra/>. Fill out the order form, make your check payable to 'ZAGNY' and mention 'Lladró Fundraiser' in the memo field. The check and form should be mailed to:

Behroze Clubwala, 25 Peach Tree Court, Hawthorne, New Jersey – 07506.

To place your order by phone, call with your credit card details:

Behroze Clubwala: bclubwala@aol.com; 201-755-5714

Ferzin Patel: ferzpsych@aol.com; 845-216-1368

Piroja Press: pirojapress@gmail.com

Nowruz (pronounced now-ruz and no-rooz; depending on the region and dialect) is a combination of two Persian words.

They consist of: first word “now or no” meaning new and the second word “ruz/ rooz” meaning day or light; together they mean “New Day/Light.”

Nowruz is the exact beginning of the New Year when the season changes from winter to spring on the spring vernal equinox.

The spring equinox marks the moment the Sun crosses the celestial equator, this happens on March 19, 20 or 21 every year.

Nowruz and the festivities reflect the change of season from winter to spring.

This celebrates the New Year for many Asian and none-Asian communities.

Nowruz

Nowruz has been celebrated for thousands of years amongst The Iranians. It is a non-religious holiday that is enjoyed by people of different diverse nations.

Nowruz is rooted in the Zoroastrian tradition; the New Year brings new choices, opportunities, and commitments to improve a person with their freewill. With boundless freedom the New Year brings a new chance to renovate this world make it fresh.

Zoroastrianism emphasizes broad concepts, such as; freewill ethics corresponding with right and wrong in terms of human action or conduct, and, the scientific method to discover new truth, expanding wisdom/knowledge as a result to improve the human condition with better understanding our reality.

Today there are new Zoroastrian communities coming to birth throughout all four corners of the world; the largest sprouting in: Greater Iran, Europe and North America bonding alliances and friendships celebrating Nowruz. It is time of sharing happy moments with friends and family, exchanging gifts, eating good food and drinking good wine.

The tradition of Nowruz is strong and loved amongst millions.

by: Shahrooz Ash

City named Shahyar in China

By Sheda Vasseghi

Sasanian Persian King Narseh, the last Iranian king after the first Islamic invasion of the mid-7th century, was crowned in exile and a general in the Chinese army. A group of Iranian nobility, including Sasanian kings, was given refuge in the Chinese court of the Tang dynasty. Many Iranian princes served as military commanders in the Chinese army, and some Iranians settled in China trying to make new lives for themselves. It is notable that a small town near Xinjiang, where many members of the Sasanian nobility had settled, is called Shahyar (Persian for ‘companion of the king’).

Xinjiang has, since ancient times, been a multicultural region, with contacts made with several Iranian peoples, especially the Soghdians of Central Asia. The following is based on Chinese records regarding the region:

Since ancient times Xinjiang (a western region of China) has been home to as many as 30 ancient ethnic groups such as Persians, Greeks, Indians, Chinese, Turks, and the like... Some intercultural tools developed early on for social interaction and commerce such as varied linguistic developments... Among 30 languages spoken in Xinjiang region are Iranian Persian and Sogdian... Among 20 written languages are Iranian Persian, Sogdian, and Manichean... From the five different scripts adopted in the region, one used for Yutain, Tubo and Phags-pa come from sisters to Iranians, the Indian Brahmi script; and one used for Sogdian and Turkic scripts comes from Persian Aramaic alphabet. Readers are invited to see the video below discussing findings in the region.



Picture source: blog.hmns.org

A large number of Sasanian Persian coins have been discovered, alongside other Iranian-style textiles. However, the expert discussing these findings refrains from mentioning their Iranian connections. Instead he provides a general, non-descriptive overview that refers to inspirations from ‘some place’. It would appear that this is consistent with some select academic circles that have a tendency to downplay or avoid mention of possible Iranian origins for cultural artifacts.

Womens’ rights are human rights says FEZANA

A Zoroastrian delegation is to deliver a panel discussion at the United Nations Headquarters in New York as part of the 59th Commission on the Status Of Women.

Homi Gandhi, Narges Kakalia, Nurelle Mehta, Adina Mistry, Nina Mistry and Khushroo Patel from FEZANA will be representing the Zoroastrians at the UN. The group will be presenting a panel discussion entitled ‘Education: A Powerful Tool for Gender Equality’.

Social change to uplift society comes when men and women are treated equally with respect and dignity. This aspirational goal

cannot be reached through the work of women alone. This workshop will explore the empowerment of women that arises at the intersections of education, access to health care, freedom from violence and the crucial roles that men and boys in society can play to advocate and work towards global gender equality.

The panel discussion is on Monday, March 16th, 6:15-7:45pm at the Church Centre, 10th Floor, 777 United Nations Plaza, New York.

Visitors do not need a security pass to attend the session, so please encourage local Zoroastrians to attend and support the presentation.



INDEX

Cover Story

Nowruz

News Section

City named Shahryar in china

Women's right are human right

Old Iranian at the University of Texas

Lladro Lithophane Votive

career news

Gathas

Zarathushtra's vision of Ahura Mazda in Gathas
and its impact on humanity

Youth Cafe

Firdous Bamji's

Humanity

An inhuman system of punishment

History and Culture

Map of persia

General

Babak khoramdin

Sade

history of zoroastrians after arab invasion

The Seventeenth North American Zoroastrian Congress

Editor's note

by: Shahrooz Ash

The spirit of this season, the season of Nowruz; expressed with reflective thinking by the grace of Mazda/Wisdom.

New spring, new day, new start and commitments open new doors to our minds, pondering new dreams to turn to reality.

PRAYING WITH DASTUR DHALLA

YOUTH IS THE SPRING OF LIFE

When life is young, it is bright and easy and happy. The very atmosphere is full of enthusiasm and energy and youth is crowded with events that shape man's whole life thereafter.

Youth is buoyant and hopeful, cheerful and venturesome, confident and courageous, ambitious and enterprising. Youth is fraught with unlimited potentiality to accomplish great and wonderful things. The lure of life's adventure seems a glowing romance and a sweet, long poem to youthful life. Youth, in its vision, thinks it can grasp the rainbow.

Life is full of sport in the boisterous gaiety of youth. The desire for pleasure is strongest in youth. Festive youth yearns for the full enjoyment of life and in its misguided moments throws itself headlong in the whirling dissipations and wastes itself by riotous indulgence of vice and vulgarity.

Man thinks faded youth as life's paradise lost and grudges not giving a heavy price if he can buy and regain it. Growing age broods over passing youth and longs to live youthful days again. In vain does withering youth labour to prolong its beauty by appliances of art, by padding and painting, trappings and trimmings. Youth, none the less, ages and fades.

Youth thinks the spring of its life will not end and dreams not of its decay and death. Exuberant life swarms in the spring and blooms in a forest of riotous foliage, yet the autumn turns out to be the death-bed of the spring and winter its grave. So does the autumn of life steal slowly with silent steps and heralds the end of its spring. Though nature rejoices in the yearly return of the spring, man knows but one spring and youth, once lost, can never be regained.

Strengthen me, Ahura Mazda, to resist the temptation to give in to the dissipation of youth. Help me so to live my youth that the memory of an ill-spent youth may not cloud my mind, when I am on the down-hill road and my life is ebbing and nearing its end. Help me, instead, to live in so wise that the recollection of my virtuous youth may sweeten my old age and fill the closing period of my life with happiness.

(Homage Unto Ahura Mazda, Daštūr Dr. M.N. Dhallā, New York, 1941)



The Zoroastrian Journal
No.25
Publish: Quarterly
Spring 2015

Topics:
Religions, Culture, Social, Sci-
ence, History, News...

Senior Editors
Mobed Bahram Deboo
Shahrooz Ash

Authors/Writers
Dr. Niaz Kasravi
Mobed Bahram Deboo
Shahrooz Ash
Sheda Vasseghi
Roshan McArthur
Lisa Tsering

Director and Publisher:
California Zoroastrian Center
A Non Profit Organization

Type and Design:
Roxana Kavosi

Printed By:
LA Web Press

Email: info@CZCJournal.org
Tel: 714 -893 -4737
Fax: 714 -894 -9577
www.CZCJOURNAL.ORG



CALIFORNIA ZOROASTRIAN CENTER

8952 HAZARD AVENUE
WESTMINSTER, CA 92683
U.S.A.

(714) 893-4737 Fax (714) 894-9577

www.czc.org
Email: info@czc.org

**Ahura Mazda [Wise Lord] is the Zarathushtrian God.
Zarathushtrians believe in Good Thoughts, Good Words and Good Deeds.
Asho Zarathushtra Spitaman is our prophet and teacher.**

The Zarathushtrian sacred text is called the Avesta. The five Gathas in the Avesta are the very divinely inspired words of Asho Zarathushtra, the holiest of the holies. The Zarathushtrian religion is the oldest monotheistic religion in the world, dating back to the fourth millennium. According to Zarathushtra there is only one God. True Zoroastrians follow the path of Asha [Righteousness]. Our religion teaches us to respect these four elements; Water, Fire, Air and Earth. Zarathushtra says that the divine is present within each one of us and in all things. This divine flame should not be contaminated, but sustained by good thoughts, good words and good deeds. In the Avestan text Yasna 17.11, Zarathushtra expresses his beautiful thought by speaking of the fire in all things, the fire within each one of us. If the divine is present in all of us, then one must accept that Humans are divine. In fact all beings with life are a divine creation of the creator. Zarathushtra is the first person to advocate freedom of choice; in the Gathas it is stated that Ahura Mazda made us such. This is why Zarathushtra is known to be the father of free will.

'Zoroastrianism is the oldest of the revealed world religions, and it has probably had more influence on mankind, directly and indirectly, than any other single faith.'- Mary Boyce, *Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices* (London: Routledge and Kegan Paul, 1979, p. 1)



The

ZOROASTRIAN

Journal

Spring 2015/ 3753 Zoroastrian Calendar
Issue 25

* Cover story

Nowruz



Other Topics:

Zarathushtra's vision

An inhuman system of punishment

Maps of Persia

History of zoroastrians after arab invasion